



سلسله گفتارهای تبلیغی
و اکاوی هویت مردمی
نهضت حسینی و دولت مهدوی

حجت الاسلام محمدرضا زارع





عنوان کتاب: سلسله گفتارهای تبلیغی واکاوی هویت مردمی

نهضت حسینی و دولت مهدوی

تهیه و نشر در معاونت آموزش و پژوهش تشکل فراگیر تبلیغ
گروهی طلاب

نویسنده: حجت الاسلام محمدرضا زارع

(گروه تبلیغی شهید دقایقی)

نوبت و تاریخ چاپ: اول (محرم الحرام ۱۴۴۵)

طراح جلد: سید امیر حسین حسینی عارف

صفحه آرای: حسین زارعی زیاری

📍 قم، خیابان جمهوری، میدان سپاه،

انتهای خیابان اخلاقی، ساختمان شهید

حقانی، پلاک ۴۷

☎ ۰۲۵۳۲۴۰۰۳۶۰-۲

📞 ۰۹۰۲۴۱۰۹۸۰۶

www.bastefarhangi.ir

@bastefarhangi



فهرست

مقدمه.....	۹
جلسه اول: رفتارشناسی مردم در کلام امام حسین (۱).....	۱۱
خطبه.....	۱۱
انگیزه سازی.....	۱۱
ارزش هزینه کردن برای روضه امام حسین علیه السلام	۱۳
اقناع اندیشه.....	۱۶
اوضاع جامعه اسلامی پس از شهادت امام حسن علیه السلام	۱۷
رفتار سازی.....	۱۸
ذکر مصیبت.....	۲۰
جلسه دوم: رفتارشناسی مردم در کلام امام حسین (۲).....	۲۳
خطبه.....	۲۳
انگیزه سازی.....	۲۳
اقناع اندیشه.....	۲۵
منفعت طلبی خوب.....	۲۷
رفتار سازی.....	۲۹
ثبات قدم در دین.....	۲۹
ذکر مصیبت.....	۳۱
جلسه سوم: نقش مردم در به حکومت رسیدن امامان.....	۳۳
خطبه.....	۳۳
انگیزه سازی.....	۳۳
پاسخ به سوالی مهم !.....	۳۳
اقناع اندیشه.....	۳۵
نقش مردم در قبول حکومت توسط امام علی علیه السلام	۳۵
سقیفه؛ شروع انحراف.....	۳۶
اهمیت رعایت حق مردم.....	۳۷

۳۸.....	نظر اسلام درباره نقش مردم
۳۹.....	نقش مردم کوفه در قیام حسینی
۴۰.....	رفتارسازی
۴۰.....	قدمی در راه ظهور
۴۱.....	ذکر مصیبت
۴۵.....	جلسه چهارم: هدایتگری اهل بیت علیهم السلام
۴۵.....	خطبه
۴۵.....	انگیزه سازی
۴۵.....	رابطه امام و امت
۴۶.....	اقناع اندیشه
۴۶.....	هدف انبیا و پیامبران
۴۹.....	هدایت دست خداست
۵۰.....	روش هدایت اهل بیت
۵۲.....	رفتارسازی
۵۲.....	امام؛ بهترین وسیله برای توبه
۵۴.....	ذکر مصیبت
۵۷.....	جلسه پنجم: جایگاه مردم در جامعه اسلامی
۵۷.....	خطبه
۵۷.....	انگیزه سازی
۵۷.....	ریشه‌ی واقعه عاشورا
۵۹.....	اقناع اندیشه
۵۹.....	اراده الهی مبتنی بر اراده مردم
۶۰.....	جایگاه مردم در حکومت علوی
۶۲.....	جایگاه مردم در نهضت حسینی
۶۳.....	رفتارسازی
۶۳.....	هدایتگری امام تا قیامت
۶۵.....	ذکر مصیبت
۶۷.....	جلسه ششم: از قیام حسینی تا انقلاب خمینی

خطبه	۶۷
انگیزه سازی	۶۷
معامله با امام حسین علیه السلام	۶۷
اقناع اندیشه	۶۹
پیروز نبرد کربلا	۶۹
انقلاب اسلامی در امتداد قیام حسینی	۷۱
حرف نوی انقلاب اسلامی	۷۴
رفتارسازی	۷۵
انتخاب کن؛ بیعت با حسین یا یزید؟	۷۵
ذکر مصیبت	۷۶
جلسه هفتم: جلوه‌های حضور مردم در انقلاب اسلامی	۷۹
خطبه	۷۹
انگیزه سازی	۷۹
پیروزی نزدیک است!	۷۹
داستان انقلاب حضرت موسی	۸۰
اقناع اندیشه	۸۲
معجزه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی	۸۲
معجزه‌ی دفاع مقدس	۸۳
معجزه‌ی پیشرفت انقلاب	۸۵
رفتارسازی	۸۶
یک قدم مانده	۸۶
ذکر مصیبت	۸۸
جلسه هشتم: اقتصاد قوی یعنی اقتصاد مردمی	۹۳
خطبه	۹۳
انگیزه سازی	۹۳
نتیجه‌ی اعتماد به مردم	۹۳
اقناع اندیشه	۹۵
نقش مردم ژاپن در رشد اقتصادی	۹۵

- ۹۶..... راه حل مشکلات اقتصادی
- ۹۷..... رفتارسازی
- ۹۷..... ایجاد صندوق اشتغال آفرینی
- ۹۹..... نمونه‌های موفق
- ۱۰۰..... حمایت از کالای داخلی
- ۱۰۱..... ذکر مصیبت
- ۱۰۵..... جلسه نهم: مهم‌ترین عامل زمینه ساز ظهور.....
- ۱۰۵..... خطبه
- ۱۰۵..... انگیزه سازی
- ۱۰۵..... آینده به اراده‌ی ماست!
- ۱۰۸..... اقناع اندیشه
- ۱۰۸..... مردم زمینه ساز حکومت عدل
- ۱۰۹..... همدلی و مواسات
- ۱۱۰..... احیای واجب فراموش شده
- ۱۱۲..... ذکر مصیبت
- ۱۱۵..... جلسه دهم: مدل حکمرانی حکومت مهدوی.....
- ۱۱۵..... خطبه
- ۱۱۵..... انگیزه سازی
- ۱۱۵..... آینده‌ای روشن
- ۱۱۷..... اقناع اندیشه
- ۱۱۷..... امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه جامعه را اصلاح می‌کند؟
- ۱۱۹..... مدل حکمرانی مردمی
- ۱۲۱..... رفتارسازی
- ۱۲۱..... لبخند رضایت امام
- ۱۲۲..... ذکر مصیبت



مقدمه

از صدر اسلام که پیامبر ﷺ توانست مدینه النبی را ایجاد کند تا دولت مهدوی، نقش همراهی و حمایت مردم جامعه از امام بسیار پررنگ است. خداوند متعال خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ هر جا که مومنین پای کار دین بیایند، نصرت الهی نیز به کمک آنها می‌آید و هرچا که نصرت الهی باشد قطعاً پیروزی است. اگر مردم دست از استقامت و یاری دین خدا بردارند نتیجه‌ای جز ذلت و خواری برایشان ندارد اما اگر امیدوار به وعده‌ی الهی باشند و از حق طلبی دست نکشند قطعاً مورد لطف و رحمت الهی قرار می‌گیرند. همراهی مردم با ولی‌خدا، نصرت و تایید الهی را به دنبال دارد و این سنت الهی اختصاص به دوره و زمان و شخص خاص ندارد.

در حکومت علوی و قیام حسینی نیز نقش مردم بسیار اساسی است و اگر مردم کوفه پای عهد و پیمان خود با این امامان می‌ایستادند قطعاً نصرت و رحمت الهی نیز شامل آنان می‌شد. در زمان حاضر نیز انقلاب اسلامی ما با تکیه بر حمایت مردم و حضور باشکوه آنان در صحنه‌های مختلف توانسته است حرف

۱- سوره مبارکه انفال، آیه‌ی ۶۲

جدیدی را در عالم بزند یعنی: «جمهوری اسلامی» که در آن هم مردم صاحب نظر و رأی هستند و هم شریعت و دین خدا حاکم است. امام خمینی رحمته الله «جمهوری اسلامی» را به عنوان مدل و الگویی نو و صداقت‌خواسته از تعالیم دین به دنیا ارائه کرد و برپایه‌ی اصل اصیل «مردم‌سالاری دینی» شالوده‌ی نظامی مقدس را بنیان نهاد. خود را خادم مردم و مردم را ولی نعمت خویش و همه‌ی مسئولان معرفی کرد.

در نگاه متعالی امامین انقلاب، حضور و نقش‌آفرینی مردم در انقلاب فقط به مرحله‌ی پیدایش آن و حضور در راهپیمایی‌ها و انتخابات، منحصر و محدود نمی‌شود. تجربه‌ی جنگ تحمیلی به خوبی به ما یاد داد که با حضور و بسیج عمومی مردم، نه تنها مساله‌ای به این بزرگی را میتوان حل کرد بلکه میتوان آن را به فرصتی ارزشمند تبدیل کرد. با این نگاه مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... همه و همه با معجزه‌ی حضور مردم، به فرجامی نیک و روشن خواهد رسید.

تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب در راستای تبلیغ گفتمانی و با لحاظ مسائل گوناگون انقلاب، برای موسم تبلیغی محرم الحرام ۱۴۴۵، این کتاب را به همه‌ی مبلغین بزرگوار و گروه‌های تبلیغی پیشنهاد می‌کند.

امید است با همدلی و همراهی عمومی جامعه‌ی مومنین با نائب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نظر رحمت آن حضرت جلب و در امر ظهور فرجی شود.

معاونت آموزش و پژوهش تشکل فراگیر گروه‌های تبلیغی

جلسه اول: رفتارشناسی مردم در کلام امام حسین (۱)

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ. خدا را شاکریم که به ما توفیق داد که وارد ماه محرم شویم و یک سال دیگر برای غم و مصیبت های سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) عزاداری کنیم. انشاءالله به برکت این روزه ها و گریه ها، مورد عنایت بی بی دو عالم، صاحب عزای مجالس حسینی، حضرت زهرا (علیه السلام) قرار بگیریم. یک صلواتی با «عَجَّلْ فَرَجَهُمْ» ختم بفرمایید.

انگیزه سازی

فضیلت روز اول ماه محرم

امشب، شب اول ماه محرم است و شروع سال جدید قمری. در مفاتیح اعمالی برای شب و روز اول ماه محرم ذکر شده که

عظمت این ایام را می‌رساند. ریان بن شیب از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده:

«هرکه در روز اول محرم روزه بگیرد و خدا را بخواند، خدا دعای او را مستجاب کند، چنان‌که دعای زکریا را اجابت فرمود.»^۱
 حتماً می‌دانید که حضرت زکریا فرزندی نداشتند تا وارث ایشان باشد؛ آیات ۳۸ تا ۴۱ سوره ی آل عمران چه زیبا این داستان را روایت می‌کند:

﴿هَٰذَاكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبُّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ آن حضرت به درگاه خدا این خواسته را زیاد مطرح کرده بود اما جوابی نگرفته بود. این دعای حضرت در کهنسالی و پیری و پس از درخواست‌های فراوان مورد استجاب قرار گرفت و جبرئیل نوید فرزنددار شدن را به آن حضرت داد:

﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ﴾
 با معجزه‌ی الهی حضرت یحیی به دنیا آمد. چرا معجزه؟ چون حضرت زکریا و همسرش هر دو پیر بودند و قابلیت فرزنددار شدن را نداشتند اما خداوند متعال دعای حضرت زکریا را مستجاب نمود و به او فرزندی عطا کرد که پس از آن حضرت پیامبر باشد.

امام رضا علیه السلام در این حدیثی که برایتان خواندم می‌فرمایند که همانگونه که خداوند پس از سالها، دعای زکریا را مستجاب نمود، خواسته‌ی کسی که روز اول محرم را روزه بگیرد برآورده می‌کند؛ خدا

۱- مفاتیح الجنان، اعمال روز اول ماه محرم

وعده‌ی استجابت داده دیگر چه می‌خواهی؟
ای مردم این شب و روز را قدر بدانید. بعضی‌ها مثل من غافلند
و بی‌خیال و این فرصت‌ها را به راحتی از دست می‌دهند اما شما
زرنگ باشید. استفاده کنید از این لحظه‌ها. این روزه‌ها و گریه‌ی
بر امام حسین (ع) ارزش کمی ندارد! دست کم نگیرید این مجالس
روضه را.

ارزش هزینه کردن برای روزه امام حسین (ع)

یک روایت برایتان بخوانم تا کمی بیشتر درک کنیم که کجا
آمده‌ایم؛ حضرت موسی (علی نبینا و آله و (ع) در کوه طور
مشغول مناجات با خداوند بود، از پروردگار عالم پرسید که چرا
امت پیامبر آخرالزمان بر سایر امت‌ها، فضیلت و شرافت دارند؟
خداوند در پاسخ فرمود که به دلیل ده چیزی که در میان
آنهاست. یکی از آن ده مورد عاشورا است. حضرت موسی درباره‌ی
عاشورا سوال کردند که عاشورا چیست؟

اینجا را خوب گوش کنید؛ خداوند متعال فرمود: «ای موسی!
هر کس از بندگانم که در آن زمان گریه و عزاداری کند بر فرزند
پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بهشت را برای او جاودان قرار دهم. حواس‌تان را
خوب جمع کنید به این روایت که پروردگار عالم ثواب خرج کردن
در روزه‌های اباعبدالله (ع) را چه چیزی قرار داده است:

«وما من عبد أنفق من ماله في محبة ابن بنت نبيه طعاما وغير
ذلك درهما أو دينارا إلا وباركت له في دار الدنيا الدرهم بسبعين
وكان معافا في الجنة وغفرت له ذنوبه»؛ هر بنده‌ای که مال خود

را در محبت فرزند پیغمبر ﷺ صرف نماید - از هر چه باشد از طعام و... - من به او برکت دهم و در برابر هر درهم یا دینار (کنایه از پول کم یا پول زیاد) که خرج کرده هفتاد برابر به او عنایت کنم و او را عافیت دهم و گناهانش می‌آمرزم تا وارد بهشت شود.^۱ این وعده‌ی خداست! شما هزار تومان برای روضه‌ی امام حسین (علیه السلام) خرج کن، بین خدا برایت چه می‌کند. معامله پرسودتر از این می‌خواهی؟ شما هزار تومان برای دستگاه اباعبدالله خرج کن خدا هفتاد برابرش رو بهت برمیگرداند! خدا وعده‌ی تو خالی به بنده اش نمی‌دهد. اینکار برای او هیچ زحمتی ندارد.

این حرف که آقا خرج روضه را بدهید به کودکان یتیم بخورند و بساط روضه را جمع کنید خیلی فکر اشتباهی است! خیلی انحراف خطرناکی است! ائمه‌ی ما برای امام حسین (علیه السلام) مجلس روضه می‌گرفتند و غذا می‌دادند حالا عده‌ای برای ما روشن فکر شده‌اند و اسلام شناس که آقا این هزینه‌ها بیخود است و هیچ فایده‌ای ندارد و بیایید هزینه‌ی مراسم اباعبدالله (علیه السلام) را بدهید به کودکان یتیم! این همه خداوند متعال تأکید کرده، ائمه‌ی ما بانی روضه‌ها

۱- وفي حديث مناجاة موسى عليه السلام وقد قال يا رب لم فضلت أمة محمد صلى الله عليه وآله على سائر الامم؟ فقال الله تعالى: فضلتهم لعشر خصال. قال موسى: وما تلك الخصال التي يعملونها حتى أمر بني إسرائيل يعملونها؟ قال الله تعالى: الصلاة والزكاة والصوم والحج والجهاد والجمعة والجماعة والقرآن والعلم والعاشوراء قال موسى: يا رب وما العاشوراء؟ قال: البكاء والتباكى على سبط محمد صلى الله عليه وآله والمريئة والعزاء على مصيبة ولد المصطفى، يا موسى ما من عبد من عبيدي في ذلك الزمان بكى أو تبكى وتعزى على ولد المصطفى إلا وكانت له الجنة ثابتا فيها، وما من عبد أنفق من ماله في محبة ابن بنت نبيه طعاما وغير ذلك درهما أو دینارا إلا وباركت له في دار الدنيا الدرهم بسبعين وكان معافا في الجنة وغفرت له ذنوبه، وعزتي وجلالي ما من رجل أو امرأة سال دمع عينيه في يوم عاشوراء وغيره قطرة واحدة إلا وكتب له أجر مائة شهيد (مجمع البحرين، جلد ۳، صفحہ ۱۸۶)

می‌شدند باز عده‌ای این حرف‌ها را تکرار می‌کنند. در زمان رضا شاه ملعون که می‌خواست بساط روضه‌ها را جمع کند و ممنوعیت برگزاری آن را اعلام کرد چقدر از مردم به خاطر برپایی روضه‌های مخفیانه شکنجه شدند ولی دست از این پرچم برنداشتند. ما باید قدردان این نعمت باشیم که در امنیت و آرامش می‌توانیم زیر خیمه‌ی اباعبدالله (ع) عزاداری کنیم. هرکاری هم که دشمنان دین و خدا انجام بدهند این حرارت محبتی که در دل شیعیان است سرد نمی‌شود و نمی‌توانند محبین اهل بیت را از آنها جدا کنند. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»^۱. انشاءالله در شب‌های آینده راجع به این مطلب بیشتر سخن خواهیم گفت.

به هر حال همه در برپایی این هیئت‌ها و برگزاری این مراسمات سهیم باشیم؛ هرکس به اندازه‌ی توانش! یکی می‌تواند غذا بدهد، یکی می‌تواند کمک کند به چای دادن در روضه.

یکی می‌تواند مشکل فنی و تعمیرات مسجد را انجام دهد. همه سهیم باشیم در برگزاری مراسم روضه امام حسین (ع)؛ این دستگاه حساب و کتاب دقیقی دارد، بی‌جواب نمی‌مانید. سال گذشته عزیزانی در این جمع بودند و زیر خیمه‌ی اباعبدالله عرض ارادت کردند اما امسال اسیرخاک هستند و دست‌شان از این دنیا کوتاه. معلوم نیست ما هم تا سال دیگر زنده باشیم و بتوانیم در مجلس روضه نفس تازه کنیم؛ پس تا فرصت هست در ثواب برگزاری مراسم روضه‌ی ارباب بی‌کفن شریک باشیم. انشاءالله ثوابی

از این مجلس نورانی به روح همه‌ی گذشتگان از این جمع برسد
صلواتی ختم بفرمایید.



امام حسین علیه السلام برای چه قیام کرد؟

اما بحثی که برای این شب‌ها در نظر گرفته ام، این است که آیا نهضت و قیام اباعبدالله علیه السلام در سال ۶۱ قمری به پایان رسید و با شهادت آن حضرت و یارانش تمام شد و ایشان نتوانست مانع از نابودی جامعه اسلامی شود و خورش به هدر رفت و یا اینکه آن حماسه‌ی باشکوه کربلا که زینب کبری علیها السلام فرمود: «ما رأیت إلا جمیلاً» هنوز ادامه دارد و الگوی قیام‌های مظلومان تاریخ در برابر ظالمان بوده است؟

پاسخ این سوال خیلی مهم است زیرا اگر بدانیم که سیدالشهدا علیه السلام برای چه قیام کرد و با چه هدفی شهید شد و دنبال چه چیزی بود، به ما کمک می‌کند تا وظیفه‌ی خودمان را بشناسیم و بدانیم که امروز چه مسئولیتی به عهده ماست تا بتوانیم لبیک گوی ندای «هل من ناصر ینصرنی» اباعبدالله الحسین باشیم. شیعه بودن به این است که راه امام خودت را بشناسی و پیرو راه او باشی نه اینکه فقط بیای گریه کنی و بروی. باید در مسیری که سیدالشهدا علیه السلام با خون خودش برای ما باز کرده است قدم بزنیم و وارد شویم و در برابر شمر و یزید زمان خودمان بایستیم و مبادا با غفلت بعداً متوجه شویم که داشتیم زیر خیمه‌ی یزید سینه می‌زدیم!

تصورات غلط و درک ناقص از حرکت سیدالشهدا (ع) باعث می‌شود تا تحلیل اشتباهی از قیام آن حضرت داشته باشیم؛ اگر ندانیم که علت اصلی خروج اباعبدالله از مدینه چه بود ما نیز می‌شویم مانند محمد حنفیه‌ها که به امام می‌گفتند در مدینه بمان و به کوفه برو و این کار امام را بی‌فایده بلکه اشتباه می‌دانیم. خدا رحمت کند شهید مطهری را، در کتاب حماسه حسینی می‌فرماید: ذهنیتی که بعضی از ما از امام حسین (ع) داریم را نقاشی کنند شبیه شمر می‌شود! خیلی باید دقت کنیم که مبدا امام را اشتباه قضاوت کنیم. برداشت غلط از رفتار امام، شروع انحراف در عقیده و رفتار است. چقدر از این شبهاتی که درباره‌ی نهضت اباعبدالله (ع) مطرح می‌کنند به راحتی پاسخ داده می‌شود اما اگر تحلیل مان اشتباه باشد ممکن است خطا کنیم.

برای اینکه به پاسخ سوال اصلی برسیم نیاز است که ابتدا چند مطلب را به عنوان مقدمه خدمت تان عرض کنم تا بعد وارد بحث اصلی شویم.

اوضاع جامعه اسلامی پس از شهادت امام حسن (ع)

مطلب اول اینکه باید برویم به سراغ فضایی که جامعه‌ی اسلامی در دوران پس از شهادت امام حسن (ع) قرار داشت و به بررسی شرایط و اوضاع آن دوران پردازیم؛

معاویه نقشه‌های زیادی کشیده بود تا یزید را به عنوان جانشین خودش قرار بدهد. با اینکه یکی از شروط صلح امام حسن (ع) با معاویه این بود که یزید جانشین او نباشد اما او بعد از شهادت امام

حسن علیه السلام چندین سال تلاش کرد تا سران قبایل و بزرگان شهرها را راضی کند و از آنها برای ولیعهدی یزید بیعت بگیرد. بیعت گرفتن برای کسی که علناً فساد می‌کند و شراب می‌خورد کار ساده‌ای نیست اما معاویه خوب این مردم را شناخته بود که به راحتی با پول می‌توان آنها را ساکت کرد. سیاست معاویه (علیه اللعنة) بسیار عجیب است؛ می‌داند که هرکسی را چگونه فریب دهد! یکی را با پول و دیگری را با تهدید.

شیطان خیلی خوب رگ خواب انسان را بلد است. نقطه ضعف‌ها را می‌داند! از همان جا به سراغ انسان می‌آید؛ کسی که مومن و مسجدی است را با شراب خوردن فریب نمی‌دهد! کاری می‌کند که نمازش باعث بدبختی او شود! حاج آقا مگر می‌شود که نماز، سبب هلاکت انسان شود؟ بله! مگر کسانی که امام حسین علیه السلام را کشتند نماز نمی‌خواندند؟ مگر قاری قرآن نبودند؟ در نقل‌های تاریخی آمده لشکریان عمر بن سعد وقتی که وارد گودال قتلگاه شدند، قریباً **إلی الله** به بدن اباعبدالله علیه السلام سنگ و چوب و نیزه زدند. خیلی باید مراقب بود! خیلی باید دقت کرد. شیطان و هواهای نفسانی را دست کم نگیریم. چه بسا مومنین عابدی که با یک لغزش، دین و دنیای خودشان را بر باد داده‌اند.



رفتار سازی



دنیاطلبی مردم

بارها و بارها در تاریخ این مسئله تکرار شده است که عده‌ای فریب مال دنیا را خورده‌اند و از حق چشم پوشی کرده‌اند؛ نه

فقط افراد بی دین و ایمان، بلکه آنهایی که در اوج دینداری و ایمان بودند نیز بخاطر مال دنیا پایشان لغزیده و منحرف شده‌اند. عیبدالله بن عباس بن عبدالمطلب که پسرعموی پیامبر گرامی اسلام است و پدرش مفسر قرآن بود و در بین مسلمانان جایگاه خاصی داشت، امام حسن (ع) او را به عنوان فرمانده ارشد لشکر خود در برابر حمله‌ی سپاه معاویه قرار داد. معاویه به او نامه نوشت که یک میلیون درهم به تو میدهم تا به سپاه من ملحق شوی و او شبانه فرار کرد و فریب مال دنیا را خورد.^۱

امثال این افراد در طول تاریخ زیاد بوده‌اند؛ در زمان امام حسین (ع) نیز همین مال دنیا خیلی‌ها را بیچاره کرده است. مجمع بن عبدالله عائذی، پس از پیوستن به امام در کربلا، در پاسخ آن حضرت که از حال مردم کوفه پرسیدند، عرض کرد: اشراف و بزرگان کوفه، رشوه‌های کلانی از حکومت دریافت کرده و حکومت جوال‌های آنها را پر کرده تا محبت آنان را به خود جلب کند، پس آنها یکپارچه علیه تو جنگ می‌کنند.^۲

اباعبدالله (ع) در مسیر کربلا فرمود: «إِنَّ النَّاسَ عَيْدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ لَعَقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ»^۳ مردم بنده‌ی دنیا هستند و به دنبال آن. بعد گوش به فرمان مولای خودش است؛ دنیاطلبان نیز به دنبال آبادی دنیایشان هستند. دنیایی که فانی است و از بین می‌رود. دنیایی که پر است از درد و رنج و غم. قرآن کریم در توصیف چنین

۱- مقاتل الطالبيين، صفحه‌ی ۷۳

۲- تاریخ طبری، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۰۶

۳- تحف العقول جلد ۱، صفحه‌ی ۲۴۵

افراد می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۱: ظاهر دنیا را دیده و شیفته‌ی آن شده‌اند در حالیکه از آخرت غافل‌اند. اینها مگر چند سال در دنیا عمر می‌کنند؟ نهایتاً بگوئیم صد سال! در برابر این صد سال که نیمی از آن دردها و بیماری‌های پیری است، آخرتی قرار دارد که بی‌انتهاست، پایان ندارد! تمام نمی‌شود! دائماً هست! آنوقت ارزش دارد که دین و آخرت خودمان را در برابر این دنیایی بفروشیم که امیرالمومنین علیه السلام درباره‌ی آن فرمود: «الدُّنْيَا سُوقٌ رَّيْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ آخِرُونَ» دنیا مثل بازار است. چطور در خرید و فروش در بازار یه عده‌ای ضرر می‌کنند و یه عده‌ای سود! در دنیا نیز همینطور است. یه عده‌ای نعمتی که در این دنیا دارند را در راه طاعت الهی خرج می‌کنند و سود می‌برند و در مقابل عده‌ای این نعمت الهی را در راه معصیت الهی هدر می‌دهند و ضرر می‌کنند. انشاءالله شب‌های آینده این بحث را ادامه خواهیم داد.

ذکر مصیبت

امام حسین علیه السلام، پسرعمویش مسلم بن عقیل را به سوی کوفیان فرستاد. یک روایت برایتان بخوانم که ببینید امشب در خانه‌ی چه شخصیتی آمده‌ایم:

پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی حضرت عقیل، پدر حضرت مسلم فرمودند: «إِنِّي لِأُحِبُّهُ حُبِّينِ: من عقیل را به دو جهت دوست دارم، حُبًّا لَهُ، وَحُبًّا لِحَبِّ أَبِي طَالِبٍ لَهُ: یکی بخاطر ابوطالب

۱- سوره مبارکه روم، آیه ۷

که او را دوست داشت. یکی هم خود عقیل را دوست دارم. خود عقیل را به چه جهت دوست دارم؟ به این جهت که: «وَإِنَّ وَلَدَهُ لَمَقْتُولٌ فِي مَحَبَّةٍ وَلَدِكَ» پسر او در راه محبت پسر تو کشته می شود. بعد پیامبر اکرم (ص) شروع کردند به گریه کردن، «حَتَّى جَرَّتْ دُمُوعُهُ عَلَى صَدْرِهِ» آنقدر اشک ریختند که سینه مبارک شان از زیر محاسن خیس شد. گریه کنِ حضرت مسلم بن عقیل، پیامبر خاتم (ص) بود. کوفیان در ابتدا از او استقبال کردند و اطرافش را گرفتند و اعلام آمادگی کردند. حضرت مسلم بعد از چهل روز بررسی شرایط کوفه، نامه نوشت به سیدالشهدا (ع) که آقا جان اکثریت مردم کوفه منتظر شما هستند. اما با حاکم شدن عبیدالله بن زیاد بر کوفه ورق برگشت. مردم دنیا طلب کوفه مسلم را در ازای پول و ترس از هیچ تنها گذاشتند. دیگر مسلم غریب و تنها بود در کوفه. توی کوچه های کوفه غریبانه قدم میزد و اشک میریخت و می گفت ای کاش نامه نمی نوشتم اباعبدالله (ع) بیاد به سمت کوفه! ای کاش می نوشتم که آقا زن و بچه با خودت نیار: باور نمی کردم گذرها را ببینند

من را که می بینند درها را ببینند

در شهر کوفه کوچه گردی کم نکردم

این چند شب یک خواب راحت هم نکردم

حضرت مسلم (ع) را گرفتند و بردند، ایشان دیگر توان راه رفتن

نداشتند، ضربه ای خورده بود و به نقلی لب بالایی پاره شده بود

و خون جاری بود. از شدت جراحات، تشنگی همه‌ی وجود ایشان را گرفته بود. دیدند دارد گریه می‌کند. گفتند: چرا گریه میکنی؟ از مرگ ترسیده‌ای؟ حضرت جواب داد: «إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَبْكِي لِنَفْسِي وَلَكِنْ أَبْكِي لِأَهْلِي الْمُقْبِلِينَ إِلَيَّ وَأَبْكِي لِحُسَيْنٍ وَآلِ حُسَيْنٍ: وَاللَّهِ

برای خودم گریه نمی‌کنم، برای اربابم گریه می‌کنم که داره با زن و بچه میاد.

حالا که می‌آیی ستاره کم بیاور

با دخترانت گوشواره کم بیاور

حالا که می‌آیی کفن بردار حتماً

ای یوسف من پیرهن بردار حتماً

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا الْمَظْلُومَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...

جلسه دوم: رفتارشناسی مردم در کلام امام حسین (۲)

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ عَلَى
سَيِّدِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، مُحَمَّدٍ وَعِترته الْأَقْدَسِينَ. شب دوم ماه محرم
الحرام است، هدیه به محضر مقدس قطب عالم امکان حضرت
بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف صلواتی ختم بفرمایید.

انگیزه سازی

شیعه واقعی

اگر بخواهم خلاصه آنچه که شب قبل خدمت عزیزان ارائه شد
را بیان کنم، باید بگویم که شیعه کسی است که پیرو راه و رسم
اهل بیت باشد و هم و غم خودش را دفاع از حق آنها و زنده نگه
داشتن کلام شان قرار دهد. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «لَيْسَ مِنْ
شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَخَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَآثَارِنَا؛ شیعه‌ی ما کسی
نیست که با زبان می گوید من شیعه هستم و در عمل برخلاف
عمل و کلام ما رفتار می کند. وَلَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ

وَاتَّبِعْ آثَارَنَا وَعَمِلْ بِأَعْمَالِنَا **اولئک شیعتنا**: لکن شیعه کسی است

که با زبان و دل با ما موافق باشد و آثار ما را پیروی کند و مانند ما رفتار نماید، چنین کسانی شیعه واقعی ما هستند.^۱

باید رفتار ما، رفتاری باشد که مورد رضایت آنهاست؛ کأن آنها را ناظر بر اعمال خودمان می بینیم که واقعیت هم همین است:

در تفسیر آیهی شریفه **﴿وَقُلِ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ**

وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^۲ که شاهدان بر اعمال انسان را ذکر می کند، آمده

است که مقصود از «مؤمنون» اهل بیت **علیهم السلام** هستند.^۳ سعی کنیم در

محضر اهل بیت **علیهم السلام** گناه نکنیم.^۴

راه اهل بیت را برویم تا انشاءالله در آخرت هم زندگی جاودانهی

ما با آنها باشد. همین اول جلسه یه دعا کنم هرکسی دلش

میخواهد، واقعاً دوست دارد این اتفاق براش بیفتد آمین بگوید:

خدایا! در دنیا و آخرت ما را از در خانهی اهل بیت **علیهم السلام** دور مکن.

پروردگارا! شب اول قبر، وجود نازنین ارباب بی کفن و تشنه لب را

به فریاد ما برسان.

برای اینکه شیعه باشیم باید بدانیم که ائمه ی ما هرکدام چه

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ی ۱۹۶

۲- سوره مبارکه توبه، آیه ی ۱۰۵

۳- الصادق **علیه السلام** - وَ الْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَيُّمَةُ (.: امام صادق **علیه السلام** - وَ الْمُؤْمِنُونَ هُمَانِ ائِمَّه هسنتند). (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۴۰)

۴- الصادق **علیه السلام** - عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ **علیه السلام** قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا لَكُمْ تَسْؤُونَ رَسُولَ اللَّهِ **صلی الله علیه و آله** فَقَالَ رَجُلٌ كَيْفَ تَسْؤُوهُ فَقَالَ أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْزِضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةَ سَاءَ ذَلِكَ فَلَا تَسْؤُوا رَسُولَ اللَّهِ **صلی الله علیه و آله** وَ سِرُّوهُ.

امام صادق **علیه السلام** - سماعه گوید: از امام **علیه السلام** شنیدم که می فرمود: «چرا رسول خدا **صلی الله علیه و آله** را ناراحت می کنید؟» مردی به او عرض کرد: «چگونه او را ناراحت می کنیم؟» فرمود: «آیا نمی دانید که کردارهای شما بر او عرضه می شود و اگر معصیتی را ببیند ناراحت می شود؟ پس رسول خدا **صلی الله علیه و آله** را ناراحت نکنید و او را خوشحال کنید (الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹)

رفتارهایی داشتند. چه شد به سمت کربلا با اهل و عیالش حرکت نمود. اگر اینها را ندانیم ممکن است وقتی نامه‌ی عمل مان را به دست مان می‌دهند ببینیم ما هم مثل مردم کوفه، امام خود را به مال دنیا فروخته‌ایم! نکند که ما هم سیاهی لشکر دشمنان اهل بیت باشیم.

افناع اندیشه

منفعت طلبی

شب قبل عرض کردیم که یکی از ویژگی‌های مردم کوفه این بود که دنیا طلب بودند و به دنبال مال دنیا. آنهایی که نامه نوشته بودند برای امام حسین (ع) و او را دعوت کرده بودند تا بوی پول به مشام شان رسید، منکر نامه‌ها شدند. معلوم می‌شود که آنها از اول هم بخاطر اینکه سیدالشهدا (ع) به آنها بیشتر توجه کند و پُست و مقامی بگیرند این نامه‌ها را نوشتند. این روایت از اباعبدالله (ع) را دیشب خواندم که: «إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ» مردم بنده‌ی دنیا هستند و به دنبال آن و دین بازیچه‌ای بیش برای آنان نیست و دین را ابزاری قرار می‌دهند برای رسیدن به هدف‌های دنیایی شان. یک مطلبی را خدمت شما عزیزان عرض کنم و آن اینکه بعضی‌ها تا کسی را می‌بینند که ریشی دارند یا تسبیحی در دست می‌چرخانند سریعاً به او به عنوان دین دار و با خدا اعتماد می‌کنند درحالیکه از روی ظاهر نمی‌شود قضاوت کرد. بعضی‌ها همین چیزهایی را که در دین توصیه شده است را استفاده می‌کنند برای ظاهرسازی.

حتماً به خاطر دارید که اوایل انقلاب، بعضی‌ها ریش می‌گذاشتند و ادعای انقلابی‌گری می‌کردند اما بعد از مدتی مشخص شد که این ظاهر سازی، وسیله‌ای بوده برای نفوذ؛ آن کسی که در دفتر حزب جمهوری اسلامی بمب گذاشت و سبب شهادت عناصر مهم انقلاب مانند شهید بهشتی رحمته الله شد کسی بود که خودش را به عنوان دلسوز انقلاب معرفی می‌کرد و تا جایی نفوذ کرده بود که هماهنگی جلسات حزب را به عهده گرفته بود و کسی اصلاً تصور نمی‌کرد که ممکن است او جاسوس مجاهدین خلق باشد. از این موارد در طول تاریخ زیاد بوده است. در کتاب تاریخ طبری آمده است: «بیشتر فرماندهان سپاه عمر بن سعد، سرانی بودند که با قول همکاری و همراهی، امام حسین علیه السلام را به کوفه دعوت کردند.»^۱ اوج این منفعت طلبی کوفیان در غروب عاشورا و حمله به خیمه‌ها رخ داد که هرکدام به دنبال غارت چیزی بودند حتی چیزهای بی ارزش تا مدال افتخاری برایشان باشد.

در ادامه‌ی روایت، حضرت می‌فرمایند: «يُحَوِّطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مَحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ»^۲ دومین ویژگی‌ای که امام حسین علیه السلام ذکر می‌کنند این است: مادامی که دینداری به سود معیشت آن‌ها باشد پیرامون آنند و وقتی به بلا و رنج و سختی آزموده شوند، عده‌ی اندکی از آنها دین دار می‌مانند. منفعت طلبی خصلت دیگری است که سیدالشهدا برای اکثر مردم ذکر می‌کنند. منفعت طلبان تا جایی دین را می‌پذیرند که به دنیایشان ضربه نزد

۱- تاریخ طبری، جلد ۵، صفحه‌ی ۳۵۳

۲- تحف العقول جلد ۱، صفحه‌ی ۲۴۵

اما در جایی که دینداری سبب خللی در امر دنیایشان باشد، دنیا را ترجیح می‌دهند. تا وقتی که در رفاه معیشتی باشند مدعی صف اول دینداری اند اما تا به کم سختی یا بلایی پیش می‌آید و منفعتشان را در ترک دین می‌بینند سریعاً رنگ عوض می‌کنند.

در همین فتنه‌هایی که در چند دهه‌ی اخیر رخ داده است مثال‌های زیادی را دیدیم. کسی که عمری برای اهل بیت و امام حسین (ع) روضه خوانده و اشک ریخته و بر یزید و شمر لعنت فرستاده حالا مدعی ناکارآمدی دین در امور دنیا شده و می‌گوید که دین برای آخرت است. مگر شهید سلیمانی عزیز نفرمود که جمهوری اسلامی حرم است و دفاع از این حرم مانند دفاع از حرم اهل بیت (ع) است؟ نکند آقای مداح، آقای روضه خوان، گریه کن اباعبدالله (ع) داری نقش سیاهی لشکر برای یزید زمان اجرا میکنی؟ خداکند که انسان عاقبت به خیر شود و در صراط مستقیم ثابت قدم بماند. مبدا کسی فکر کند که چون الآن هیئت و مسجد می‌آید و عزاداری می‌کند دیگر اهل بهشت است و مورد لطف و رحمت پروردگار عالم قرار می‌گیرد. نه! مگر نبودند کسانی که در اوج بودند و قائم مقام امام خمینی (ع) اما سرانجام و عاقبتشان چه بد و ترسناک!

منفعت طلبی خوب

منفعت طلبی جزء طبیعت انسان است و ذاتاً انسان به دنبال این است که منافع خودش را تأمین کند ولی منفعت طلبی مذموم و ناپسند این است که به دین خودت و مردم ضرر برسانی تا منفعت

ببری. منفعت طلبی به معنای درست کلمه سفارش دین است و نباید از منافع خودت که ضرری به دیگران نمی‌رساند و به دین آسیب نمی‌زند گذشت. مثلاً در مقابل دشمنان دین نباید ذره‌ای از منافع مان کوتاه بیاایم. اینجا منفعت طلب بودن کار درستی است. یک جمله بگویم: اصلاً دین داری ما بخاطر منفعت طلبی است. چون دین منافع ما را تأمین می‌کند. تمام دستورات دین را بین! به نفع توست. روزه بگیر چون به سلامتی تو کمک می‌کند. الآن دانشمندان ثابت کرده‌اند که وقتی انسان روزه می‌گیرد و چندین ساعت گرسنگی را تحمل می‌کند، سلول‌های سالم برای کسب انرژی و جبران کمبود غذا از سلولهای معیوب و توده‌های مستعد سرطان تغذیه می‌کنند و این باعث سلامتی انسان است.^۱ یا درباره‌ی زکات خداوند متعال علت آن را اینگونه بیان می‌کند: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾^۲ ای پیامبر! از مردم زکات بگیر تا جان و مال آنها را پاک و پاکیزه نمایی. زکات دادن موجب رشد

۱- دبیر فیزیولوژی و پزشکی کمیته نوبل می‌گوید: "کمیته نوبل در انستیتو کارولینسکا تصمیم گرفت نوبل فیزیولوژی و پزشکی سال ۲۰۱۶ را به یوشینوری آسومی برای کشف مکانیسم اتوفاژ عطا کند."

"مکانیسم اتوفاژی" یا خودخواری سلولی، تخریب و بازیافت اجزای سلول توسط خود سلول است که به دلیل کمک به شناخت و درمان بیماری‌هایی همچون سرطان، دیابت، پارکینسون و بیماریهای سلسله اعصاب بسیار مهم است.

مکانیسم اتوفاژی یا خودخواری سلولی زمانی روی می‌دهد که اجزای سلول با مرکز بازیافت سلول یا لایزوزوم در هم می‌آمیزد تا آنزیم‌های لایزوم بتوانند مواد حمله‌کننده یا مخرب را از بین ببرند.

این اتفاق روند سم‌زدایی سلول و خوددرمانی و در واقع مکانیسم دفاعی سلول است؛ زمانی که مواد غذایی به‌اندازه کافی به سلول نمی‌رسد یا اینکه سلول وظیفه از بین بردن مهاجمی مثل باکتری و ویروس را دارد، اتوفاژی برای زدودن مواد زائد و کم کردن مصرف سلول به کمک آن می‌آید و سلول مواد زائدی را که تولید کرده یا سلول‌هایی را که پیر شده‌اند تخریب و از مواد اولیه آنها برای تولید اجزا و مواد جدید استفاده می‌کند!

۲- سوره مبارکه توبه، آیه‌ی ۱۰۳

اخلاق و تزکیه‌ی نفوس در جامعه می‌شود. شما با دادن زکات، اگرچه ظاهراً مالی را از دست می‌دهید اما روح و جان خود را پاک می‌کنید. دیدید بعضی‌ها چقدر نورانی هستند و همنشینی با آنها چقدر به شما حال خوب می‌دهد؟ این بخاطر همان پاکی روح و جان آنهاست. درباره‌ی بیدار شدن به هنگام صبح هم دانشمندان اثبات کرده‌اند که خطر سکت‌هی قلبی را بسیار کاهش می‌دهد. عجب! پس من صبح بیدار شوم و نماز بخوانم به نفع خود من است؟ بله! تمامی دستورات دین به نفع توست. خدایی که انسان را خلق کرده و در وجودش منفعت طلبی را قرار داده است، در برنامه‌ی کاملی که برای او فرستاده حتماً این مطلب را لحاظ کرده و قرار داده است. در تمامی دستورات دین منفعت انسان لحاظ شده است؛ منفعت طلبی خوب نه منفعت طلبی مذموم.

رفتارسازی

ثبات قدم در دین

منفعت طلب بودن مردم کوفه را ببینید! تا عبیدالله بن زیاد به آنها وعده‌ی پول و مال داد و دیدند که اگر بنی امیه در حکومت بمانند به نفع شان است حاضر شدند که دین خود را بفروشند و حتی بالاتر؛ امام خود را بکشند. این عبرت تاریخ برای ماست! ما مثل مردم کوفه نیستیم که تا وقتی معیشت مان خوب بود اهل مسجد و هیئت باشیم و وقتی که شرایط سخت شد و اوضاع مالی بد شد دیگر امام حسین (ع) را کنار بگذاریم. خدا نکند که از

این دم و دستگاه جدا شویم. ما به خاطر پول به سیدالشهدا (ع) محبت نداریم که حالا بخواهیم از او جدا شویم. پدران و مادران ما با نان حلال و اشک روزه‌ها ما را بزرگ کردند و از بچگی در خانه‌ی این خاندان بودیم.

این سختی‌ها هم می‌گذرد و تمام می‌شود و به لطف اهل بیت (ع) قطعاً اوضاع درست می‌شود. خدا وعده یاری و پیروزی داده است که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱ اما خدا کند که ما رو سیاه نشویم و در این راه استقامت کنیم. اباعبدالله (ع) فرمود که در شرایط سخت، آنهایی که دین دار می‌مانند کم هستند و عده‌ی زیادی در این شرایط از دین جدا می‌شوند. خیلی سفارش شده است که این دعا را در آخرالزمان زیاد بخوانید: «يا الله يا رحمان يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك»^۲ این دعا را مرحوم آیت الله بهجت (رحمه الله) هم توصیه می‌کردند به رهبر انقلاب که بخوانند.

ثابت قدم بودن در دین خیلی سخت است چون امتحانات الهی آسان نیست. البته عمده‌ی این مشکلات کشور ما بخاطر بی‌عرضگی و نالایقی برخی مدیران است که انشاءالله بحق عظمت و مقام این ماه عزیز، خداوند همه‌ی آنهایی را که می‌خواهند به این نظام اسلامی ضربه بزنند نیست و نابود بگرداند و به همه‌ی آنهایی که به این نظام خدمت می‌کنند توفیق بدهد.

۱- سوره مبارکه محمد، آیه‌ی ۷

۲- کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۵۲.

ذکر مصیبت

فردا روزی است که کاروان اباعبدالله (ع) به سرزمین کربلا می‌رسد. کاروانی که علی اکبر دارد! عباس دارد! جوانان بنی هاشم دور این کاروان مانند پروانه به دور شمع می‌چرخند. زینب در اوج احترام و عزت است و علی اصغر آرام در آغوش رباب خوابیده است. اما تا این کاروان وارد این سرزمین شد و شنیدند که اینجا کربلاست دیدند اشک‌های آقای ما جاری شد و فرمود: «اللهمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ، هَهُنَا وَاللَّهُ مَقْتَلُ رِجَالِنَا؛ اینجا همون جایی هست که جوان‌های ما را می‌کشند. وَ هَهُنَا وَاللَّهُ ذُبْحُ أَطْفَالِنَا؛ اینجا بچه‌های ما رو ذبح می‌کنند. بمیرم برای دل رباب وقتی که این جمله را شنید. مگر گلوی علی اصغر تاب تیر سه شعبه دارد؟ وَ مَفْسَشْكُ دِمَائِنَا؛ اینجا همون جایی هست که ارباباً ارباباً شدن علی اکبر را می‌بینم. اینجا همون جایی هست که بی دست شدن عباسم را می‌بینم. اینجا همون جایی هست که زینب از بالای بلندی دست و پا زدن من را می‌بیند.

به سمت گودال از خیمه دویدم من

شمر جلوتر بود دیر رسیدم من

سر تو دعوا بود ناله کشیدم من

سر تو رو بردن دیر رسیدم من

جان‌ها به فدای تو یا اباعبدالله (ع) ...

جلسه سوم: نقش مردم در به حکومت رسیدن امامان

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِدُكْوَرِهِ، وَ سَبَباً لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ، وَ دَلِيلاً عَلَى آلَايِهِ وَ عَظَمَتِهِ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. شب جمعه است؛ شادی روح امام و شهدای دفاع مقدس، شهدای مدافع حرم و همه‌ی درگذشتگان از این جمع صلواتی ختم بفرمایید.

انگیزه سازی

پاسخ به سوالی مهم!

در دو شب گذشته عرض کردیم که شیعه‌ی واقعی کسی است که راه اهل بیت را ادامه دهد و صرف دوست داشتن و محبت اهل بیت علیهم‌السلام کافی نیست. آنچه که باعث می‌شود تا ما ادامه دهنده‌ی قیام اباعبدالله علیه‌السلام باشیم، شناخت درست از علت قیام و اهداف آن

می باشد. همچنین عرض کردیم که در ابتدا باید شرایط جامعه در آن زمان را بشناسیم تا به سوال چرایی و علت قیام جواب بدهیم. دو مورد از ویژگی های مردم جامعه را از زبان اباعبدالله مطرح کردیم که یکی دنیاطلبی بود و دیگری منفعت طلبی که باعث شد تا حکومت شخصی شراب خوار و میمون باز را بپذیرند و با او بیعت کنند با اینکه کمتر از ۵۰ سال از زمان رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ گذشته بود. چه بر سر جامعه ی اسلامی آمده بود که در این مدت کوتاه تن به چنین ذلتی دادند حتی بالاتر نوهی پیغمبر ﷺ را کشتند؟ کسی که دیده بودند پیامبر گرامی اسلام درباره اش فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»^۱. سوال بسیار جدی و مهمی است.

جامعه ای که از پرتگاه جاهلیت، به وسیله ی تعالیم پیامبر ﷺ به اوج رسید و امیرالمومنین (علیه السلام) چندین سال بر آن حکومت کرد و گرسنگان و یتیمان شان توسط او سیر شدند چه شد که چند سال بعد برای کشتن فرزندان علی از هم سبقت می گرفتند؟ اینها که نان و نمک علی را خورده بودند و عدالت او را دیده بودند. به جز دنیاطلبی و منفعت طلبی دلیل دیگری نداشت. اگر مردم جامعه دچار این دو صفت شوند دیگر باید فاتحه ی اسلام را خواند. برای اینکه این مطلب روشن شود باید برویم به سراغ نقشی که مردم در به قدرت رسیدن حاکم دارند.

افق‌اندیشه

نقش مردم در قبول حکومت توسط امام علی (ع)

یکی از دلایل مهمی که امیرالمومنین (ع) بعد از ۲۵ سال، حکومت را پذیرفت این بود که مردم اصرار کردند و مردم خواستند تا ایشان این امر را به عهده بگیرد. در خطبه‌ی سوم نهج البلاغه که معروف است به خطبه‌ی شقشقیه، امیرالمومنین (ع) در توصیف بیعت مردم با ایشان می‌فرماید: «فَمَارَاعَنِي إِلَّا وَالنَّاسُ [إِلَيَّ] كَعُزْفِ الصُّبُعِ إِلَيَّ يَنْثَالُونَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ» در روز بیعت، مردم مرا از همه طرف احاطه کرده بودند به گونه‌ای که حَتَّى لَقَدْ وَطِئَ الْحَسَنَانِ: نزدیک بود امام حسن و امام حسین زر دست و پا مردم بمانند وَ شَقَّى عِظْفَايَ: و عبايم از دو طرف پاره شد مُجْتَمِعِينَ حَوْلِي: و دور من حلقه زده بودند^۱ این اراده‌ی مردم را ببینید که چقدر مهم است.

در کتاب تاریخ طبری آمده است که مردم، پس از کشته شدن عثمان، بارها به سراغ حضرت علی (ع) آمدند تا بالاخره او را وادار به پذیرفتن خلافت کردند. آن حضرت بر منبر بالا رفت و فرمود: «نیازی به خلافت نداشته و با کراهت آن را پذیرفته و تنها با تعهد پذیرش این که مردم کاملاً با وی همراهی کنند، حکومت بر آنان را خواهد پذیرفت»^۲.

شرط امیرالمومنین (ع) برای پذیرش حکومت این بود که مردم

۱- نهج البلاغه، خطبه سوم

۲- تاریخ طبری / ترجمه، ج ۶، ص: ۲۳۲۸

بخواهند. این به صراحت، اهمیت در میدان بودن مردم در دفاع از ولایت الهی را می‌رساند. مردم نقش اساسی را در ایجاد حکومت اسلامی دارند و اگر آنها نخواهند این امر صورت نمی‌گیرد.

اگر همین مردم بعد از رحلت پیامبر ﷺ پای کار امیرالمومنین (علیه السلام) می‌آمدند و در برابر سقیفه می‌ایستادند و حاضر به پذیرش خلفا نمی‌شدند، قطعاً خانه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) آتش نمی‌گرفت و محسنش کشته نمی‌شد. قطعاً ابی عبدالله به قتلگاه نمی‌رفت و زن و بچه اش به اسارت بُرده نمی‌شدند. همه‌ی آنهایی که در برابر سقیفه سکوت کردند و غدیر را نادیده گرفتند در شهادت امام حسین (علیه السلام) شریکند.

سقیفه؛ شروع انحراف

به همین خاطر است که می‌گوییم سقیفه شروع انحراف و نابودی جامعه‌ی اسلامی بود و فراموشی غدیر بزرگترین ضربه را بر دین وارد کرد. غدیر واقعه‌ای است که دین با آن کامل شد و نعمت الهی بر بندگان تمام شد. چه شد که هزاران نفر از افرادی که در غدیر حضور داشتند فقط با گذشت دو ماه، آن واقعه‌ی مهم را فراموش کردند؟ آنهایی که «بَخَّ بَخَّ يَا عَلِي» می‌گفتند و با او بیعت می‌کردند کجا رفتند؟

غربت امیرالمومنین (علیه السلام) را ببینید که با چه افرادی سروکار دارد. هرچه در غربت و مظلومیت آن حضرت بگوییم کم گفته‌ایم. در همان خطبه‌ی شقشقیه، آن حضرت در وصف حال خودشان پس از غصب خلافت می‌فرمایند: «فَصَبَرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَذَى وَفِي الْحَلْقِ

شَجَا أَرَى تُرَاثِي نَهْبًا: صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود. و با دیدگان خود می نگریستم که میراث مرا به غارت می برند.^۱

اگر کسی بیاید وارد خانه‌ای شود که شما با هزاران سختی و مشقت ساخته‌اید و به زور بگوید که به من بدهید و شما را از آن خانه بیرون کند چگونه است؟

اهمیت رعایت حق مردم

یک نکته‌ای را داخل پرانتز عرض کنم: سعی کنید که حق دیگران را رعایت کنید و حق الناس به گردن تان نباشد. عالم بافضیلت حاج شیخ محمد علی ربانی اصفهانی که از علمای برجسته زمان بودند نقل می‌کند: «دو نفر تصمیم قطعی گرفتند خود را برای دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده کنند، وقتی که در خود لیاقت زیارت آن حضرت را یافتند به سوی مکه حرکت کردند، یکی از آنان به وقت طواف به محضر مقدس صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسید، عرضه داشت: اگر اجازه بفرمایید دوستم نیز خدمت شما برسد، حضرت فرمود: او لایق دیدار من نیست؛ زیرا در راه سفر به مکه به زمین گندم زاری رسیدید، او يك دانه گندم از خوشه چید برای این که ببیند گندم رسیده یا هنوز خام است، پس از بررسی کردن، آن يك دانه گندم را به همان زمین انداخت، کسی که بدون اذن صاحب مال به مال دست درازي کند لایق دیدار حجت خدا نیست.»^۲

۱- نهج البلاغه، خطبه سوم

۲- حج در آیین‌های عرفان صفحه‌ی ۸۸

تا جایی که می‌توانید حق مردم را رعایت کنید و اگر دینی به عهده دارید همین امشب آن را ادا کنید. سیدالشهدا در روز عاشورا به عمیر انصاری فرمود که در میان اصحاب ندا دهد: «نَادِ فِي النَّاسِ أَنْ لَا يَقَاتِلَنَّ مَعِيَ رَجُلٌ عَلَيْهِ دَيْنٌ». اگر کسی دینی بر عهده دارد، برود زیرا فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ يَمُوتُ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ لَا يَدْعُ لَهُ وَفَاءً إِلَّا دَخَلَ النَّارَ. هر کس از دنیا برود در حالی که دینی بر عهده اش باشد که چاره ای برای آن نکرده باشد گرفتار دوزخ می‌شود.^۱

نظر اسلام درباره نقش مردم

برگردیم به بحث اصلی مان. در نگاه اسلام امامت جامعه امری انتصابی و از جانب خداست نه انتخابی؛ یعنی مردم نمی‌توانند امام را با رأی گیری انتخاب کنند و هرکس که بر او توافق شد به عنوان حاکم انتخاب شود. از طرفی اگر همین مردم به حمایت از امام برگزیده از سوی خدا قیام نکنند حکومت اسلامی تشکیل نمی‌شود. مردم باید در حمایت و پشتیبانی از خلیفه الله و جانشین خدا بر روی زمین به پا خیزند وگرنه نامی از اسلام باقی نمی‌ماند. امام خمینی رحمه الله می‌فرماید: «پشتوانه یک حکومت، ملت است. اگر یک ملتی پشتوانه حکومت نباشد، این حکومت نمی‌تواند درست بشود؛ این نمی‌تواند برقرار باشد.»^۲ انشاء الله در شب‌های آینده به نقش مردم در شکل گیری انقلاب اسلامی نیز خواهیم پرداخت اما الآن می‌خواهیم نقش مردم در حرکت اهل بیت علیهم السلام را

۱- احقاق الحق، جلد ۱۹، صفحه ۴۲۹

۲- صحیفه امام، جلد ۱۱، صفحه ۴۵۹

مورد بررسی قرار دهیم.

نقش مردم کوفه در قیام حسینی

یکی از دلایل خروج امام حسین علیه السلام از مدینه و حرکت به سمت کوفه این بود که مردم برای او نامه نوشتند و از او درخواست کردند که بیا بر ما حکومت کن. در کتاب لهوف سید بن طاووس آمده در بعضی از روزها حدود ششصد نامه به دست امام می‌رسید که ما منتظر شما و پای کار شما هستیم. سید بن طاووس می‌نویسد در مجموع تعداد نامه‌ها، ۱۲ هزار نامه بوده است^۱ که اباعبدالله آنها را با خود به کربلا آورد و در صحبت هایش با سپاه عمر بن سعد آن نامه‌ها را یادآوری کرد. یکی از دلایلی که برای آتش زدن خیمه‌های سیدالشهدا علیه السلام در غروب عاشورا ذکر می‌کنند این است که این نامه‌ها را می‌خواستند نابود کنند چون در آن اسم بسیاری از کوفیان ذکر شده بود و ممکن بود که به ضررشان تمام شود.

امام حسین علیه السلام پس از دریافت نامه‌های مردم کوفه، مسلم بن عقیل را به سمت آنها فرستاد و در نامه‌ای که برای مردم کوفه نوشته بود صریحاً بیان می‌کند که: «إِنْ كُتِبَ أَنَّهٗ قَدْ اجْتَمَعَ رَأَى مَلَائِكُمْ وَ ذَوِي الْفَضْلِ وَ الْحَجِی مِنْكُمْ عَلٰی مِثْلِ مَا قَدَّمَ عَلٰی بِهٖ رُسُلُكُمْ وَ قَرَأْتُ فِی کُتُبِكُمْ أَقْدَمَ عَلَیْكُمْ وَشِیْكَاً اِنْشَاءَ اللّٰهِ:» اگر مسلم بن عقیل بررسی کرد و اجتماع شما مردم را بر آنچه در نامه‌هایتان نوشته‌اید را تأیید نمود، به زودی به سوی شما می‌آیم»^۲

۱- لهوف، صفحه‌ی ۳۵

۲- تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۳۵

اباعبدالله عجل الله تعالی فرجه الشریف هم به این موضوع اذعان دارند که اگر مردم اجتماع نکنند نمی‌توان یک حکومت تشکیل داد.

رفتارسازی

قدمی در راه ظهور

اگر الآن می‌بینید که نظام اسلامی در برابر هجوم دنیا قرار گرفته و ما ساکت نشسته‌ایم و کاری نمی‌کنیم باید خودمان را مورد مؤاخذه قرار بدهیم. نکند ما هم نامه‌ی دروغ به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته باشیم و او را دعوت کرده باشیم ولی؟ مگر این انقلاب برای غیر این بود که زمینه ساز ظهور مهدی موعود باشد؟

فردا جمعه است و در روایات آمده که متعلق به امامزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و روز ظهور آن حضرت است؛ کمی تأمل کنیم، ببینیم ما برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیکار کردیم؟ مرحوم حاج محمدعلی فشنندی تهرانی که تشرقاتی به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته است، می‌گوید که در مسجد جمکران سیدی نورانی را دیدم با خود گفتم این سید در این هوای گرم تابستانی از راه رسیده و تشنه است. ظرف آبی به دست او دادم تا بنوشد و گفتم: آقا! شما از خدا بخواهید تا فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک گردد. فرمودند: شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند، اگر بخواهند و دعا کنند فرج ما می‌رسد.^۱ نقش خودمان در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دست کم نگیریم.

۱- شیفگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۵۵

حرکتی کنیم، قدمی برداریم؛ هرکس نذر کند که فردا یک یار برای آقا جان مان پیدا کند. با دوست، آشنا، غریبه صحبت کنیم و مهر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در قلب هایشان ایجاد کنیم و دست شان را بگذاریم در دستان آقا. بلکه شاید آقا نگاهی هم به دل ما بکنند. تا وقتی که من و شما بشینیم و فقط دعا کنیم ظهور اتفاق نمی افتد. باید حرکت کنیم. باید یار جمع کنیم. باید نشان بدهیم که سرباز لایقی برای سپاه حجت بن الحسن هستیم.

ذکر مصیبت

شب زیارتی اباعبدالله علیه السلام است. ای کاش ما هم همراه با مادرش در کنار گودال قتلگاه به سر و سینه می زدیم و برای حضرت اشک می ریختیم.

شب های جمعه فاطمه

با سوز و آه و واهمه

آید به دشت کربلا

گردد به دور قتلگاه

گوید حسین من چه شد

نور دوعین من چه شد

ابوبصیر رسید خدمت امام صادق علیه السلام حضرت فرمود: «أَمَّا تُحِبُّ

أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَسْعُدُ أُمِّي فَاطِمَةَ؟» آیا دوست داری مادرم زهرا را

یاری کنی؟ آماده ای یا نه؟ ابوبصیر میگوید من تعجب کردم که

چطور میتونم حضرت زهرا را یاری کنم؟ امام فرمود: «ابوبصیر از روز عاشورا تا قیامت مادرم بر حسینش گریه می‌کند. با اشک هایت فاطمه را یاری کن. گریه‌ی من و تو یاری فاطمه است.

مادرت گوشه‌ی گودال تماشا می‌کرد

بر سر نعلش تو دعواست اباعبدالله..

امشب در خانه‌ی نازدانه‌ی اباعبدالله مهمانیم. خوب باید عزاداری کنی. اگر دست‌های کوچک این دختر سه ساله بالا بیاد خیلی از مشکلات حل میشود و گره‌ها باز میشود. مرحوم حاج میرزا علی محدث زاده فرزند مرحوم شیخ عباس قمی (۳۱۲) رضوان الله تعالی از وعاظ و خطبای مشهور تهران می‌فرمود:

یکسال به بیماری و ناراحتی حنجره و گرفتگی صدا مبتلا شده بودم، تا جایی که علاج آن سخت بود و به دستور طبیب‌ها، منبر رفتن و سخنرانی برایم ممکن نبود. تا مدتی حتی نمی‌توانستم با خانواده ام صحبت کنم و شرایط برایم بسیار طاقت فرسا شد. روزی بعد از نماز ظهر خیلی اشک ریختم و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله علیه السلام را مخاطب قرار داده و گفتم: یابن رسول الله، صبر در مقابل چنین بیماری برای من طاقت فرساست. علاوه بر این من اهل منبرم و مردم از من انتظار دارند برایشان منبر بروم. من از اول عمر تا به حال علی الدوام منبر رفته‌ام و از نوکران شما اهل بیت، حالا چه شده که باید یکباره از این پست حساس بر اثر بیماری کنار باشم. آقا عنایتی بفرما تا خدا شفایم دهد.

در عالم خواب، خودم را در اتاق بزرگی دیدم که سیدالشهدا آنجا نشسته بود. چون خیلی تضرع و زاری داشتم، حضرت اشاره

به من کرد و فرمود به آن آقا سید که دم در نشسته بگو چند جمله از مصیبت دخترم را بخواند و شما کمی اشک بریزید، ان شاء الله تعالی خوب می شوید. من به در اتاق نگاه کردم دیدم شوهر خواهرم آقای حاج آقا مصطفی طباطبائی قمی که از علما و خطبا و از ائمه جماعت تهران می باشد نشسته است. ایشان مشغول به ذکر مصیبت حضرت رقیه شد و من هم گریه می کردم و اشک می ریختم. روز بعد که به دکتر مراجعه کردم، هیچ اثری از بیماری در بدنم نبود و شفا گرفته بودم.^۱

ببینید در خانه‌ی چه کسی آمده‌ایم امشب؛ این دختر سه ساله چقدر محبوب اباعبدالله است. پدر هم همه‌ی امید دختره، این محبت دوطرفه است. توی خرابه شام هی میگفت عمه دلم برا بابام تنگ شده. مخوام بابامو ببینم. عاقبت اومدن جلو خرابه گفتن چرا سر و صداست؟ تا فهمیدن این دختر بی تاب باباش شده نانجیب دستور داد سر مقدس اباعبدالله رو بیرن برای این دختر. آه از لحظه‌ای که این پدر و دختر به هم رسیدند: «فانکبت یدها علی فمها وتضذب علی رأسها و علی وجهها حتی امتلأ فمها بالدم»^۲: آنقدر این نازدانه به سر و صورتش زد که پراز خون شد. یا اَبَتاهُ، مَنْ ذَا الَّذِي قَطَعَ وَرِيدَيْكَ؟ بابا جون کی رگهای گردنت را بریده؟ شفا‌ی همه‌ی مریض‌ها سه مرتبه صدا بزن یا حسین....

۱- ستاره‌ی درخشان شان، صفحه‌ی ۲۶۱

۲- ریاض القدس، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۲۳

جلسه چهارم: هدایتگری اهل بیت علیهم السلام

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً
لِذِكْرِهِ، وَ سَبَباً لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ وَ دَلِيلاً عَلَى آلَائِهِ وَ عَظَمَتِهِ، ثُمَّ الصَّلَاةُ
وَ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِهِ وَ خَيْرَتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى آلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ
أَعْدَاءِ اللَّهِ أَجْمَعِينَ. شام جمعه است و متعلق به قطب عالم امکان
حضرت بقیة الله الأعظم. تعجیل در فرج آن حضرت صلواتی ختم
بفرمایید.

انگیزه سازی

رابطه امام و امت

بحثی که این شب‌ها به محضر عزیزان ارائه شد، پیرامون نقش
مردم جامعه در حرکت ائمه اطهار علیهم السلام بود و اثری که آنها در به
حکومت رسیدن امامان داشتند. عرض کردیم که امیرالمومنین پس
از ۲۵ سال خانه نشینی، حکومت را پذیرفت چون مردم جامعه

خواستند. کلام امیرالمومنین را دیشب برایتان خواندم که فرمود نزدیک بود فرزندانم بخاطر شلوغی جمعیت بیعت کنندگان زیر دست و پا، له شوند. یکی از دلایلی که امام حسین علیه السلام به سمت کوفه حرکت کرد، همین نامه هایی بود که مردم برای او نوشتند. اینها را به طور کامل در شب های گذشته بحث کردیم.

امشب می خواهم کمی درباره ی روش هدایتگری امامان صحبت کنم و رفتاری که آنها در برخورد با مردم داشتند تا ببینیم مردم در نگاه اهل بیت علیهم السلام چه جایگاهی دارند؟ آیا مردم فقط ابزاری بودند برای به حکومت رسیدن ائمه یا اینکه هدف بالاتری در میان بوده است؟

گفتیم که مردم بلاشک نقش اصلی را در برپایی حکومت دارند و اگر آنها پای کار نیابند، حکومت اسلامی شکل نمی گیرد. اما آیا امامان فقط به عنوان ابزار و وسیله ای برای به قدرت رسیدن به مردم نگاه می کردند یا به دنبال هدف دیگری از تشکیل حکومت بودند؟ اگر به این سوال ها جواب بدهیم و آنها را تحلیل کنیم به ما در فهمیدن علت قیام امام حسین علیه السلام و هدف آن کمک می کند.

افقاع اندیشه

هدف انبیا و پیامبران

ابتدا برویم به سراغ پیامبران الهی و ببینیم آنها به دنبال چه بودند؟ در آیات قرآن کریم به کرات اهداف انبیای الهی ذکر شده است که خلاصه ی همه ی آنها در این آیه ی شریفه بیان شده:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾^۱ خداوند متعال پیامبران را برای هدایت مردم ارسال کرد. یعنی صد و بیست و چهار هزار پیامبر آمدند فقط برای هدایت مردم به سوی خدا؛ داستان خلقت، داستان هدایت و ضلالت است. عده‌ای قول حق را می‌پذیرند و به سوی راه راست گام برمی‌دارند و عده‌ای به پیروی از شیطان و هواهای نفسانی از راه راست منحرف می‌شوند و جهنم نیز عاقبت آنان است. پیامبران آمدند برای هدایت مردم به سوی راه راست و نشان دادن راه سعادت به آنان.

روزی حضرت داوود برای مناجات با خدا به بیابان رفت. وحی رسید که ای داوود چرا تنهایی؟ حضرت داوود در پاسخ فرمود که شوق به مناجات و هم صحبتی با تو مرا به اینجا کشانده است. خداوند در پاسخ به حضرت داوود فرمود: «إِرْجِعْ إِلَيْهِمْ؛ برگرد بین مردم فَإِنَّكَ إِنْ تَأْتِنِي بَعْدَ آبِقِ أَثْبِتَكَ فِي اللُّوحِ حَمِيدًا.»^۲ اگر که بتوانی یک نفر را هدایت کنی نام تو را در لوح محفوظ با صفتی پسندیده می‌نویسم. یعنی کاری می‌کنم که نام تو تا آخر دنیا به نیکی برده شود. الآن می‌بینید که بعضی‌ها نامشان از اول تاریخ به بدی گفته شده است مانند قابیل که برادرش را کشت و بعضی هم نام نیک از آنها مانده است مانند حضرت داوود و سلیمان و پیامبران دیگر. در آیات متعددی از قرآن کریم نیز شاهد این هستیم که خداوند

۱- سوره مبارکه توبه، آیه ۳۳

۲- رُوِيَ أَنَّ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامَ خَرَجَ مُصْجِرًا مُنْفَرِدًا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: يَا دَاوُودُ، مَا لِي أَرَاكَ وَحْدَانِيًّا؟ فَقَالَ: إِلَهِي اشْتَدَّ الشَّوْقُ مِنِّي إِلَى لِقَائِكَ، وَحَالِ بَيْنِي وَبَيْنَ خَلْقِكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: إِرْجِعْ إِلَيْهِمْ؛ فَإِنَّكَ إِنْ تَأْتِنِي بَعْدَ آبِقِ أَثْبِتَكَ فِي اللُّوحِ حَمِيدًا. (بحارالنوار، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۰)

داستان پیامبران را برای پیامبر گرامی اسلام روایت می‌کند. یکی از آنها که در سوره‌ی اعراف آمده است داستان حضرت موسی و فرعون است. فرعون از ساحران خواست سحری انجام دهند تا موسی را شکست دهد. ساحران چوب دستی هایشان را به زمین انداختند و تبدیل به مار شد. سپس حضرت موسی عصایش را به زمین انداخت و تبدیل به اژدهایی شد که همه‌ی آن مارها را بلعید. ساحران تا این اتفاق را دیدند به خداوند موسی ایمان آوردند. ساحران از جمله افرادی هستند که هدایت آنها بسیار سخت است زیرا قدرت عجیبی را در اختیار دارند اما با دیدن این اتفاق آنچنان تسلیم شدند که دیگر حتی تهدیدهای فرعون هم بر روی آنها اثری نداشت.^۱

از حضرت آدم گرفته تا پیامبر گرامی اسلام ﷺ چه سختی‌های طاقت فرسایی را تحمل کردند تا انسان‌ها هدایت شوند. وقتی عبدالله بن عمر فهمید امام حسین علیه السلام قصد رفتن به سمت کوفه را دارد، آمد تا امام را نصیحت کند که با یزید صلح نماید. بعضی‌ها به کجا می‌رسند که به جای اینکه در رکاب امام خودشان باشند و او را یاری کنند، خود را عاقل تر از او می‌دانند و می‌خواهند او را از خطا نجات دهند.

امام حسین علیه السلام در جواب او فرمودند: «آیا نمی‌دانی که نشانه پستی دنیا در نزد خدا آن است که سر بریده حضرت یحیی علیه السلام به انسان آلوده و زشت‌کرداری از آلودگان بنی اسرائیل هدیه شد؟! آیا نمی‌دانی که بنی اسرائیل تا جایی پیش رفتند که بامدادان

۱- برگزیده‌ای از آیات ۱۱۲ تا ۱۲۶ سوره مبارکه اعراف

میان طلوع فجر تا طلوع خورشید هفتاد پیامبر الهی را به شهادت رساندند و سپس بدون احساس زشتی و فاجعه این جنایت هولناک به خرید و فروش پرداختند؛ چنان که گویی هیچ فاجعه‌ای به وجود نیاورده‌اند؟!^۱

هفتاد پیامبر فقط در دو ساعت قربانی شدند تا انسان‌ها را هدایت کنند. امر هدایت مسئولیت آسانی نبوده که به عهده‌ی پیامبران قرار داده شده است.

هدایت دست خداست

پیامبران الهی دلسوز مردم و عاقبت آنها بودند و خداوند متعال تکلیفی به عهده‌ی آنها گذاشته بود که مردم زمان شان را هدایت کنند. آنها وسیله‌ای بودند برای تذکر و یادآوری؛ یعنی زمینه و مقدمات هدایت را فراهم می‌کردند و هدایت انسان‌ها دست آنها نبود که بخواهند به زور کسی را خداپرست کنند. خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ» ای پیامبر! هرکس را بخواهی نمی‌توانی هدایت کنی. پیامبر گرامی اسلام اینقدر در راه هدایت مردم تلاش می‌کرد و سختی می‌کشید که خداوند او را نهی کرد از این کار. «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۲ خداوند هرکس را که بخواهد هدایت می‌کند. قرار گرفتن در صراط مستقیم به دست بشر نیست و فقط خدا می‌تواند دل‌ها را به سوی خودش هدایت کند.

۱- مثير الأحزان، جلد اول، صفحه‌ی ۴۱

۲- سوره مبارکه قصص، آیه‌ی ۵۶

وظیفه‌ی پیامبران زمینه سازی و ایجاد مقدمات هدایت بوده است. پدر و مادری که غصه‌ی آینده‌ی جوانت رو میخوری، بیا مقدمات هدایتش را فراهم کن. یک شب او را بیاور هیئت و دستش را بگذار توی دستان سیدالشهدا. بگو آقا شما شفاعت کنید که جوان من بیاد به راه راست.

با این اوضاعی که در جامعه وجود دارد دیگر تربیت فرزندان خلی سخت شده و از دست پدر و مادرها خارج شده است. ماها فقط باید کاری کنیم که دست این بچه‌ها را بگذاریم در دستان اهل بیت و از آنها بخواهیم که فرزندان ما را هدایت کنند. اگر با همین اوضاع پیش برویم آینده‌ی بسیار وحشتناکی در انتظار این بچه‌ها خواهد بود. خدا رحم کند. بهترین پناه و ملجأ در خانه‌ی اهل بیت است.

روش هدایت اهل بیت

اصلاً ائمه‌ی اطهار برای همین کار آمده‌اند؛ برای وصل کردن دست‌های ما به سوی خدا، برای گره زدن دل‌های ما به محبت الهی. کار معصومین علیهم‌السلام همین است. پیامبر گرامی اسلام به امیرالمومنین فرمودند: «لَا أَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا» اگر یک نفر بوسیله‌ی تو هدایت شود «خَيْرٌ لَكَ مِنْمَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ»^۱ بهتر است از هرچه در دنیا است. یعنی اگر از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سوال کنند که بهترین چیزی که در عالم وجود دارد چیست؟ ایشان می‌فرماید هدایت کردن یک نفر.

بخدا قسم، به خود حضرت سیدالشهدا قسم، اگر در صحرای محشر ما را نگه دارند و صحنه‌ی کربلا را نشان بدهند و به ما بفهمانند که امام حسین علیه السلام به سمت کوفه رفت فقط برای نجات حرّ، اصلاً نباید تعجّب کنیم. منطق اهل بیت علیهم السلام این است.

زهیر بن قین از طرفداران عثمان بود و از نظر فکر و عقیده در برابر اهل بیت علیهم السلام قرار داشت. زمانی که سیدالشهداء علیه السلام در مکه بود، زهیر نیز به همراه افراد قبیله‌اش عازم سفر حج شد. روز عرفه امام از مکه بیرون آمد اما زهیر تا پایان مراسم حج در مکه ماند. زهیر قصد یاری اباعبدالله علیه السلام را نداشت اما از آن جایی که کنجکاو بود، دوست داشت بداند عاقبت کار امام چه می‌شود لذا به سرعت خود را به کاروان امام حسین رساند ولی فاصله خود را با آن حضرت حفظ کرد. هر جا که امام حسین علیه السلام به همراه یارانش خیمه می‌زدند و استراحت می‌نمودند، کاروان زهیر حرکت می‌کردند و هر جا که سیدالشهداء علیه السلام در حرکت بود، زهیر با افراد قبیله‌اش خیمه می‌زدند.

در یکی از منازل که زهیر گمان می‌کرد سیدالشهداء علیه السلام حرکت می‌کند، خیمه زد اتفاقاً اباعبدالله علیه السلام هم در آنجا ایستاد و خیمه زد. امام حسین علیه السلام به حجاج بن مسروق فرمود: حجاج برو و سلام مرا به زهیر برسان بگو سیدالشهداء علیه السلام دست یاری به سوی تو دراز کرده است، حسین علیه السلام را یاری میکنی؟ ای جانم به این آقا که دنبال بهانه است تا دیگران را هدایت کند.

حجاج می‌گوید من به طرف خیام زهیریان آمدم، زهیر مرا شناخت، احوالپرسی کرد و گفت: حجاج اینجا چه می‌کنی؟ گفتم:

زهیر من فرستاده حسینم. عزیز زهرا تو را دعوت به یاری کرده است. این خصلت این خانواده است که دستگیر همه هستند حتی دشمنان شان.

زهیر گمان نمی کرد امام حسین علیه السلام آنجا مانده باشد و او را به یاری دعوت نماید. با شنیدن این خبر غیرمنتظره خشکش زد طوری که اراده هیچ کاری را نداشت، چند لحظه ای سکوت خیمه را فرا گرفت که ناگهان همسر زهیر فریاد زد: زهیر چرا ساکتی؟ چرا آرامی؟ مگر نمی شنوی می گوید من فرستاده حسینم!

مگر دست یاری سیدالشهداء علیه السلام را نمی بینی؟ زهیر حتی اگر قصد یاری نداری بلند شو و با عزیز فاطمه ملاقات کن. هر طوری که بود زهیر از جا بلند شو و به سوی خیمه امام رفت. می رفت اما بی میل و با اکراه می رفت. در تاریخ ثبت نشده است که در خیمه چه گفتگویی بین امام حسین علیه السلام و زهیر پیش آمده است اما خانواده و دوستان زهیر دیدند، برگشت اما برخلاف رفتن شاد و سرحال است. وقتی نزدیک همراهانش شد صدا زد: «و قد عزمتم علی صحبة الحسین علیه السلام»، ای دوستان و خانواده ام، من هم حسینی شدم.^۱

رفتار سازی

امام؛ بهترین وسیله برای توبه

امام حسین علیه السلام چراغ هدایت است: «إِنَّ الحسین مصباح الهدی

۱- لهوف، صفحه‌ی ۱۳۳ و بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه‌ی ۳۷۱

و سفینه النجاة» تا قیامت این چراغ روشن خواهد ماند و خاموش نمی‌شود و هدایتگر انسان هاست. هنوز هم امام حسین علیه السلام ما را به یاری می‌طلبد. دست یاری به سوی ما دراز کرده است. منطق امام این نیست که من اگر گناهکارم از من روی برگرداند. نه! برعکس.

داستانی نقل شده است از زمان امام صادق علیه السلام که جوانی شیعه شراب خورده بود و با حالت مستی داشت توی کوچه می‌رفت که ناگهان دید از رویرو امام صادق علیه السلام دارد می‌آید. خیلی خجالت کشد و راه فراری هم نداشت. پشتش را کرد به سمت امام تا او را نبیند. وقتی امام به او رسید دستی به شانه‌ی او زد و فرمود: «در هیچ حالی از ما روی برگردان»

امشب، شب توبه است. به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض کن: آقا جان! خودتان فرمودید که هرچقدر گناهکارید از ما روی برگردانید. ما امشب آمده‌ایم توبه کنیم از هر کاری که باعث شده از ما ناراحت شوی. توبه کنیم از گناهایی که ما را از تو دور کرده است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه‌ای به شیخ مفید فرمودند که: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ»^۱ آنچه که باعث تأخیر در ظهور ما شده است اعمال و رفتاری است که از شیعیان ما سر می‌زند و ما از آنها توقع نداریم. نکند که من به زیان دعای فرج می‌خوانم و در عمل باعث تأخیر در ظهور میشوم؟ این جمعه هم گذشت و امام ما در غربت ماند. بیاییم به امام

۱- بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷

زمان عَلَيْهِ السَّلَام قول بدهیم بگوییم آقا جان این یک هفته را بخاطر شما گناه نمی‌کنم؛ لا اقل من باعث غربت شما نباشم. یک هفته بدون گناه با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام زندگی کن. هر جا می‌روی خودت را در محضر امام ببین. آنوقت بین چه لذتی می‌بری از زندگی. تو یک قدم بردار امام زمان ده قدم بر میدارد به سمت تو.

ذکر مصیبت

خُر یک قدم برداشت به سمت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام. پوتین هایش را به هم گره زد و انداخت به روی گردنش و با سری خمیده آمد به خدمت اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام. در همان حال با خودش زمزمه می‌کرد: «اللهم إِلَيْكَ أُنِيبُ قُتِبَ عَلَيَّ» خدایا به سوی تو برمی‌گردم و توبه می‌کنم. «فَقَدْ أَرَعَبْتُ قُلُوبَ أَوْلِيَائِكَ وَأَوْلَادَ نَبِيِّكَ»^۱ من دل این بچه‌های مظلوم را لرزاندیم. بگو یا اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام من که بچه‌های تو را دوست دارم. مثل خُر بیا و دستی هم به سر من بکش. من را هم مثل خُر بخر.

دست ما نیست گرفتار تو هستیم حسین

از ازل تا به ابد زار تو هستیم حسین

هیچ کس غیر تو ما را به خدا راه نداد

ما پناهنده‌ی دربار تو هستیم حسین

تو نبودی همگی اهل جهنم بودیم

تا خود حشر بدهکار تو هستیم حسین

ای کاش امشب ارباب نگاهی به دل ما بندازد. امشب شب دو
 طفل حضرت زینب هم هست. بریم در خانه‌ی عقيلة العرب زینب
 کبری علیها السلام. لباس به تن بچه‌ها کرد. خدا صبر بده به دل زینب.

الا ای آسمان عشق بنگر اختر خود را

بلاگردان اصغر کن دو طفل خواهر خود را

بیا و بر مگردان این کفن پوشان زینب را

که نزد فاطمه بالا بگیرد او سر خود را

زینب خوشحال از اینکه چیزی دارد برای فداکردن به محضر
 برادر. کفن تن بچه‌ها کرد. نقل است دستشان را گرفت آورد جلوی
 خیمه برادر. جلوی خیمه ایستاد به بچه‌ها گفت که برید از دایی
 اجازه‌ی میدان بگیرید. آمدند خدمت اباعبدالله اما حضرت اجازه
 نداد. زینب وارد خیمه‌ی ارباب شد. گفت داداش جان! این تنها
 چیزی هست که برای فدا کردن دارم از من قبول کن. در نقل‌ها
 آمده که این برادر و خواهر آنقدر اشک ریختند تا بالأخره اجازه‌ی
 نبرد صادر شد. این بچه‌ها نوه‌ی حیدر کرار هستند. خون علی توی
 رگ‌هاشون هست. بعد از مدتی دیدند اباعبدالله دو بدن غرق به
 خون به آغوش گرفته و از سمت میدان دارد بر می‌گردد.

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ
 يَنْقَلِبُونَ...

جلسه پنجم: جایگاه مردم در جامعه اسلامی

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَارِئِ الْخَلَائِقِ
أَجْمَعِينَ بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى آلِهِ
الطَّاهِرِينَ، لَا سِيَّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ
أَجْمَعِينَ. رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي
يَفْقَهُوا قَوْلِي. هديه به محضر مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف صلواتی ختم
بفرمایید

انگیزه سازی

ریشه‌ی واقعه عاشورا

آنچه که در این شب‌ها خدمت عزیزان عرض شد پیرامون این
بود که مردم جامعه نقش اصلی را در ایجاد حکومت اسلامی دارند
به این معنا که اگر به حمایت از امامی که خداوند متعال مشخص
نموده است قیام نکنند، حکومت اسلامی شکل نمی‌گیرد. مردم

نقشی در انتخاب امام جامعه ندارند و تنها خداوند متعال است که با علم خودش می‌تواند حاکم بر مردم را مشخص کند و اساساً رأی‌گیری مردم برای انتخاب امام مورد قبول نیست.

برهمنین اساس است که می‌گوییم سقیفه، شروع انحراف جامعه‌ی اسلامی بود تا جایی که ۵۰ سال پس از رحلت پیامبر ﷺ، عزیزش را در بیابان‌ها کشتند و زن و بچه‌اش را به اسارت بردند. ریشه‌ی واقعه‌ی عاشورا، سقیفه است و شروع نابودی جامعه‌ای که پیامبر ﷺ ساخته بود از آنجا می‌باشد.

امام صادق (ع) به مفضل می‌فرماید: «وَلَا كَيَوْمِ مُحْتِنَا بِكَرْبَلَا: هیچ روزی مانند روز محنت و مصیبت ما در کربلا نیست، وَإِنْ كَانَ يَوْمَ السَّقِيفَةِ وَاحْرَاقَ النَّارِ عَلَى بَابِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.. اعظم و ادهی و امر: روز سقیفه و آتش زدن در خانه‌ی امیرالمومنین مصیبت بالاتری است لانه اصل یوم العذاب»: زیرا ریشه و اصل تمامی این مصیبت‌ها از سقیفه شروع شد.

آنچه باعث شد جریان سقیفه روی کار بیاید سکوت مردم بود. اگر مردمی که در غدیر دیده بودند پیامبر ﷺ دست علی (ع) را بالا برد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» سکوت نمی‌کردند و حق را می‌گفتند، دیگر دختر رسول خدا ﷺ پشت در نمی‌سوخت و فرزندش سقط نمی‌شد.

بینید اهمیت نقش مردم را. اگر مردم چشم‌شان را به روی حقیقت نمی‌بستند، قطعاً جریان باطل سقیفه نمی‌توانست در برابر

آنها بایستد و امیرالمومنین علیه السلام به حق خودش می‌رسید. چه کردند این مردم با اهل بیت علیهم السلام؟ موضوع، خیلی موضوع مهمی است و اگر درست درک نکنیم و برای خودمان مسئولیتی در جامعه قائل نشویم و در برابر باطل سکوت کنیم که هرکاری خواست انجام دهد، ما هم می‌شویم جزء دشمنان اهل بیت علیهم السلام.

افق اندیشه

اراده الهی مبتنی بر اراده مردم

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۱ تا وقتی مردم برای تغییر وضعیت موجود قیام نکنند و در برابر ظلم و فسادها نایستند خداوند هم هیچ کمکی به آنها نمی‌کند. خداوند متعال نصرت و حمایت خودش را مبتنی کرده بر مردم. یعنی مردم اصل هستند در جامعه. اگر مردم برای خدا و اعتلای دین قیام کنند بدون شک این نصرت را به چشم خواهند دید. در جنگ بدر که اولین تقابل جبهه‌ی اسلام با کفر بود، مسلمانان فقط ۳۱۳ نفر بودند و دشمنان چند ده برابر. اما خداوند متعال می‌فرماید چون مسلمانان پای کار آمدند و برای من حرکت کردند، من نیز نصرت خودم را به سوی آنها می‌فرستم: ﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ﴾^۲

۱- سوره مبارکه رعد، آیه‌ی ۱۱

۲- سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۳

خداوند کاری کرد که کافران مومنین را دو برابر خودشان می‌دیدند و از ترس هیمنه‌ی سپاه اسلام خود را باختند و فرار کردند. اگر خدا ببیند که مردم پای کار هستند قطعاً آن‌ها را کمک می‌کند. این سنت قطعی الهی است. در شب‌های آینده بیشتر درباره‌ی این موضوع بحث می‌کنیم انشاالله و مصادیقی که مربوط به زمانه‌ی خودمان می‌شود و خیلی هایمان با چشم دیده‌ایم را مطرح می‌کنیم.

جایگاه مردم در حکومت علوی

مردم، نقش اصلی و اول را در جریان‌ات جامعه دارند اگر که مسئولیت خودشان را بشناسند و به وظیفه‌ی خودشان عمل کنند. امیرالمومنین علیه السلام در نامه به مالک اشتر که حاکم مصر بود می‌فرمایند: «إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ: وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعِدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ»^۱ آنچه که ستون اصلی دین است یعنی قیام دین بسته به قیام آنهاست و در برابر دشمنان می‌ایستند توده و عامه‌ی مردم هستند نه خواص و مسئولین. امام علی علیه السلام، به مالک توصیه می‌کند که مشکلات مردم را حل نماید و اصل را عامه‌ی مردم قرار دهد. در حکومت علوی، مردم اصل هستند نه خواص. خدمت مسئولان باید در راستای حل مشکلات مردم باشد نه آنکه دائماً سنگ جلوی پای آنها بیندازند و گرفتاری هایشان را بیشتر کنند.

متأسفانه ادارات دولتی ما دقیقاً برعکس عمل می‌کنند. خدانکنده که کسی کارش به اینجاها بیفتد؛ اینقدر شرط و شروط‌های سخت

و خسته کننده گذاشته‌اند که نتیجه‌ای جز نارضایتی مردم نداشته است. آقای رحیم پورازغدی که سخnerانی هایشان زیاد از تلویزیون پخش می‌شود می‌گفتند: «چهل سال است که مسئولین می‌خواهند نظام اسلامی را زمین بزنند اما مردم نمی‌گذارند.» واقعاً جمله‌ی دقیقی است. بیشتر مشکلات ما ناشی از ناتوانی مدیران و مسئولین است. ما بیشتر از خودی‌ها ضربه می‌خوریم تا از دشمن.

باید این روند تغییر کند و اوضاع بهتر شود. باید کیفیت ارائه‌ی خدمت به مردم در ادارات و بخش‌های مختلف افزایش پیدا کند. باید مسئولین این منطقه پای درد دل مردم بنشینند و رفتاری هایشان را حل کنند. به خدا قسم روزی از این مسئولیتی که به عهده‌ی شماست سوال می‌شود و مورد مؤاخذه قرار می‌گیرید. یه دعا کنم، خدایا هرکسی را که در این نظام اسلامی برای مردم زحمت می‌کشد بر توفیقاتش بیفزای، خدایا! هرکسی را هم که به دنبال توطئه و فساد در جامعه است رسوا بگردان. ما امیدواریم به اینکه با مدد اهل بیت علیهم‌السلام و تلاش مسئولین اوضاع بهتر می‌شود اما هرچه برای این مردم کار کنیم کم است. مردم، نقش اصلی و اساسی را در جامعه دارند.

اگر به زمان اهل بیت علیهم‌السلام نگاه کنیم، آنچه که باعث شد به آن بزرگواران جسارت شود، دنیاطلبی مردم بود که شب‌های قبل درباره‌ی آن صحبت کردیم. مردمی که حسین بن علی علیه‌السلام را به کوفه دعوت کردند و بعد تا بوی مال دنیا به مشام شان رسید، بدترین رفتارها را با او کردند، نقش اول ماجرای کربلا را داشتند و گرنه اگر پای عهد و دعوت خودشان بودند و در برابر لشکر

تو خالی یزید می ایستادند قطعاً لذت زندگی در حکومت عدل حسینی را می چشیدند. آنها ذلت را انتخاب کردند و خدا به بدترین روش آنها را ذلیل نمود.

جایگاه مردم در نهضت حسینی

وقتی نامه های مردم کوفه به دست امام حسین علیه السلام رسید و درخواست های آنان مبتنی بر قبول حکومت را مشاهده کردند، تصمیم گرفتند که به سمت کوفه حرکت کنند وگرنه در همان مکه می ماندند. در نامه ای که به مسلم بن عقیل دادند و او را به سمت کوفه راهی کردند نوشتند: «فَإِنْ رَأَيْتَ النَّاسَ مُجْتَمِعِينَ عَلَى بَيْعَتِي فَعَجِّلْ لِي بِالْخَبَرِ، حَتَّى أَعْمَلَ عَلَى حَسَبِ ذَلِكَ»^۱ اگر دیدی مردم کوفه اجتماع رای دارند به من خبر بده تا به سمت کوفه حرکت کنم. طبق برخی از نقل ها حضرت مسلم چهل روز در کوفه با سران قبایل و بزرگان دیدار کرد و پس از اینکه از گفته های آنان مطمئن شد با اباعبدالله علیه السلام نامه نوشت که به سمت کوفه حرکت کند.

سیدالشهدا به درخواست مردم به سمت کوفه حرکت کرد وگرنه از مکه خارج نمی شد. در جایی که خدا انتصاب کرده است سیدالشهدا را به امامت و مردم خواهان آن هستند، دیگر وظیفه ای تشکیل حکومت و قیام برعلیه حاکم ظالم و اصلاح جامعه اسلامی به عهده ی امام است. اباعبدالله علیه السلام در کلماتش، علت قیام خود را اصلاح امت پیامبر معرفی می کند: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ

فِي أُمَّةٍ جَدَى^۱

وقتی این دو کنار هم جمع شوند، حکومت اسلامی تشگیل خواهد شد. یک دلیل دیگر برای شما از کلام امام حسین علیه السلام بیاورم. ایشان در پاسخ به سوال عبدالله بن زبیر که پرسید برای چه به سمت کوفه حرکت می‌کنید فرمودند: «أَتَتْنِي بَيْعُهُ أَرْبَعِينَ الْفَأَيَّحِلْفُونَ لِي بِالطَّلَاقِ وَالْعِتَاقِ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ»^۲ چهل هزار نفر از مردم کوفه یعنی اکثریت آنها به من نامه نوشتند که ما با تو بیعت می‌کنیم و اگر از این بیعت تخلف کردیم زن‌های ما طلاق داده شوند و بندگان ما آزاد گردند. ببینید احتجاج می‌کند امام حسین علیه السلام به اینکه دلیل حرکت من به سمت کوفه درخواست مردم است. مردم من را می‌خواهند برای حکومت بر کوفه.



هدایت‌گری امام تا قیامت

امام مظهر هدایت است. امام کسی است که به دنبال بهانه‌ای است برای گرفتن دست انسان‌ها. ببینید اباعبدالله برای هدایت مردم به سمت کوفه رفت آن هم با زن و بچه. کاروان امام در مسیر کوفه با عبدالله بن مطیع که از عراق می‌آمد، مواجه شد.. او به امام علیه السلام عرض کرد: «پدر و مادرم فدای تو ای پسر رسول خدا! چه چیز باعث شد که تو از حرم خدا و حرم جدّت بیرون بیایی؟»

۱- بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه ۳۲۹

۲- تاریخ ابن عساکر، ص ۱۹۴، ج ۲۴۹

بینید امام چه جوابی به او میدهند: «إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ لَمَّا رَجَوْا مِنْ إِحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ»^۱ مردم کوفه نامه نوشتند و از من خواستند که به سوی آنان بروم تا حق را احیا کنم. تا مردم نشان دادند که طالب هدایت هستند امام به سوی آنها حرکت کرد. اگرچه امام می دانست آنها دروغ می گویند و وعده هایشان پوچ است اما بازهم رفت برای هدایت و در این مسیر زهیر و حرّ را متحول کرد. در زیارت اربعین می خوانیم که: «وَبَذَلَ مَهْجَتَهُ فَيْكُ: ابا عبدالله خون قلبش را در راه خدا داد تا، لیستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة»^۲ بندگان را از گمراهی نجات دهد و هدایت کند.

پیروزی قیام امام حسین علیه السلام به این است که خون آن حضرت هنوز هم دارد انسان ها را هدایت می کند. هنوز هم در این دنیای پر گناه، انسان ها به وسیله ی اشک بر ابا عبدالله علیه السلام هدایت می شوند. امام حسین علیه السلام چهارساله بودند به محضر پیامبر گرامی اسلام وارد شدند، ایشان فرمودند: «مَرْحَبًا بِكَ زِينَةَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» سیدالشهدا پرسیدند ای رسول خدا چگونه با وجود شما من زینت عرش الهی هستم؟ پیامبر فرمود که در شب معراج دیدم که بر طاق عرش نوشته شده است: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَسَفِينَةُ النَّجَاةِ»^۳ امام حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است. هرکس که توانست خود را به این آقا وصل کند هدایت می شود

۱- اخبار الطوال دینوری، ص ۲۴۵.

۲- زیارت اربعین

۳- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۴۴، ص ۱۷۴.

وگرنه گمراهی اش قطعی است. از مجالس روضه‌ی اباعبدالله دور نشوید. دائماً خودتان را با اشک بر مصائب آن حضرت شارژ کنید. امام مظهر لطف و مهربانی است. سیدالشهدا علیه السلام حاضر به شهادت فرزندانش و اسارت اهل و عیالش شد تا من و شما فرصت هدایت پیدا کنیم. امشب به آقا بگو که به دل من هم نگاهی کن. من هم آدم زیر خیمه‌ی شما اشک بریزم تا مرا هم هدایت کنی. اگر جوانی دارید که می‌خواهید هدایت شود و سر به راه، بیاوریدش به در خیمه‌ی این آقا. از آقا بخواهید که او را هدایت کند. این خاندان اهل کرم هستند؛ به کسی نه نمی‌گویند. اگر من و شما هم واقعاً نشان دهیم که طالب هدایت هستیم و از امام بخواهیم قطعاً حضرت هم به قلب ما نگاه می‌کند.

ذکر مصیبت

امشب در خانه‌ی کریم اهل بیت مهمانیم. امام حسن علیه السلام دو تا یادگاری هایش را به کربلا فرستاده است. برای این آقازاده کم نگذارید. امشب، شب نوجوان امام حسن علیه السلام هست؛ عبدالله. این نوجوان از یک سالگی در آغوش اباعبدالله بزرگ شده بود. وابستگی عجیبی به عمو داشت. سیدالشهدا هم روی این امانت برادرش خیلی حساس بود، روز عاشورا به خواهرش گفت: زینب جان مواظب یادگار حسنم باش. عبدالله خیلی بی تاب عمو بود، هر وقت عمه از خیمه او آمد بیرون، او هم دنبال عمه او آمد. هی میدون را نگاه میکرد، عمه! عمو کجاست الان؟ هی می‌آمد می‌دید عمو یه بدن را آورده توی خیمه. .. یعنی عبدالله بدن بی جان برادرش قاسم را دیده، بدن ارباً

اربابی علی اکبر را دیده، قنداقه غرق خون علی اصغر را دیده. اما تا شنید از توی قتلگاه ناله‌ی «هَلْ مِنْ نَاصِر» اباعبدالله داره میاد دیگر طاقت نیاورد. دست عمه را رها کرد. دوید به سمت گودال. روضه‌ی عبدالله خیلی سنگین هست چون عجین شده با روضه‌ی شهادت خود اباعبدالله. عمه آمد دست این آقازاده را گرفت. گفت عمه جان بذار برم. مگر نمی بینی عموم را دوره کردن، «وَاللّٰهُ لَا أَفَارِقُ عَمِّي»

ای عمو تا ناله‌ی هل مِنْ مُعِينت را شنیدم
از حرم تا قتلگاه با شور جانبازی دویدم
گرچه طفلی کوچکم اما قبولم کن عمو جان

با چه حالی از کنار خیمه به مقتل رسیدم
این آقازاده رسید کنار بدن غرق به خون اباعبدالله. مگر اصلاً
میشود تصور کرد که در آن لحظه بر عبدالله چه گذشت؟ ناگهان
دید: «فَأَهْوَى بِحَرَبَيْنِ كَعَبٍ إِلَى الْحُسَيْنِ بِالسَّيْفِ» بحر بن کعب
دارد میاد با شمشیر به بدن مقدس اباعبدالله بزنه. داد زد: ای
حرامی می خواهی عمو مرا بکشی؟ دستش را آورد جلوی شمشیر
تا به عمویش نخورد. دستش قطع شد. «فَأَخَذَهُ الْحُسَيْنُ وَضَمَّهُ
إِلَيْهِ» اباعبدالله، برادرزاده را در آغوش گرفت و به خودش چسباند.
هرکار کردند نتوانستند این دو را از هم جدا کنند. یه وقت دیدند
حرمه با یه تیر سه شعبه داره میاد «فَذَبَحَهُ وَهُوَ فِي حَجَرٍ عَمِّهِ
الْحُسَيْنِ» این آقازاده در بغل عمو جان داد.

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ
يَنْقَلِبُونَ...

جلسه ششم: از قیام حسینی تا انقلاب خمینی

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَأَفْضَلِ
بَرِيَّتِهِ وَخَاتِمِ رُسُلِهِ، حَبِيبِهِ وَسَفِيرِهِ وَصَفِيِّهِ وَنَجِيِّهِ، رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ
أَمْنَاءِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِهِ، وَخُلَفَائِهِ وَحُجَجِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَلَا سِيَّما بَقِيَّةِ
اللَّهِ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدَلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوَراً. هَدِيه
به محضر مقدس امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَهُ الشَّرِيفَ صلواتی ختم بفرمایید.

انگیزه سازی

معامله با امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

کم کم داریم به شب عاشورا نزدیک می شویم. نیمی از
دهه ی محرم گذشت، نیمی از این فرصت با ارزش گذشت.
شب اول روایاتی را برای شما عزیزان درباره ی ثواب خرج
کردن در راه اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم. حتماً خودتان هم
این برکت را در زندگی تان دیده اید. حتماً کتاب داستان های
شگفت شهید آیت الله دستغیب را بخوانید. داستان های

واقعی عجیب و تاثیرگذاری را نقل کرده است.

تاجر ثروتمندی در بازار تهران بود که هرساله برای اباعبدالله علیه السلام مراسم روضه می‌گرفت و خرجی می‌داد. بعد مدتی این تاجر ورشکست شد و هرچه داشت مجبور شد بفروشد. نزدیک محرم بود و مردم از او درباره‌ی مراسم سوال می‌کردند. تاجر ورشکسته با همسرش صحبت کرد، تصمیم گرفتند تنها چیزی که در خانه داشتند یعنی دو عدد قالیچه را بفروشند تا مراسم را برگزار کنند و خرجی بدهند. روز سیزدهم محرم وقتی که تاجر رفت در مغازه را باز کند دید کسی آمده باری را به او بفروشد. تاجر گفت پولی ندارم که به تو بدهم باید صبر کنی تا کسی بیاید جنس‌ها را بخرد تا بتوان پول تو را بدهم. آن مرد قبول کرد و رفت و لحظاتی بعد کسی آمد آن بار را با سودش از تاجر خرید.

جانم به این آقا که مدیون کسی نمی‌ماند. حساب کتاب دستگاه اباعبدالله علیه السلام با دو دو تا چهارتای ما فرق دارد. شما برای امام حسین علیه السلام خالصانه خرج کن، قطعاً برکتش را در زندگی می‌بینی. این وعده‌ی خداست^۱ و خدا هم خلف وعده نمی‌کند. به قدر توان! هر اندازه که میتوانی کمک کن. لازم نیست حتماً پول بدهی. هر مهارتی که بلد هستی خرج کن ولی در این ثواب شریک باش. با امام حسین معامله کن. معامله‌ای که سودش حد و اندازه ندارد. مطمئن

۱. مجمع البحرین، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۸۶.

باش پشیمان نمی‌شوی. آنهایی که قصد کمک به مجلس عزای امام حسین علیه السلام دارند صلوات بفرستند.

افق‌اندیشه

پیروز نبرد کربلا

آنچه در صحنه‌ی کربلا رخ داد، اوج عظمت و مقام سیدالشهدا علیه السلام بود. امام حسین علیه السلام و یارانش در راه هدایت مردم و اصلاح جامعه به شهادت رسیدند و هرچه داشتند برای رضای خدا تقدیم نمودند. کسی توهم نکند که چون اهل بیت به اسارت رفتند، شکست خوردند. نه! برنده واقعی، گروهی است که به اهداف خود برسد. شما به جامعه‌ی اسلامی پس از شهادت امام حسین علیه السلام نگاه کنید. بنی امیه با آن همه لشکر و سرباز، سه یا چهار سال پس از شهادت حضرت، نابود شد.^۱ خون پاک اباعبدالله علیه السلام ریشه‌ی قوم فاسد ابی سفیان را خشک کرد و آنها را از بین برد و خطر اضمحلال دین خدا از بین رفت. در زمان یزید به طرز عجیبی حرام‌های الهی حلال شمرده می‌شد و منکر عادی سازی شده بود و تحریف دین به اوج خود رسیده بود. اباعبدالله علیه السلام در خطبه‌ای که در مسیر کوفه ایراد کردند به این موضوع اشاره نمودند: «هولاء قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ

۱. تاریخ خایفه، صفحه‌ی ۱۵۷.

وَتَرْكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَعَظَّلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأَثَرُوا بِالْأَفْيَاءِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَهٗ» ای مردم! بنی امیه فساد را در جامعه ترویج می‌کنند و حدود الهی را تعطیل کرده و حلال را حرام و حرام را حلال می‌شمارند. اگر سیدالشهدا (علیه السلام) قیام نمی‌کرد دیگر نامی از اسلام باقی نمی‌ماند. دشمنان دین خدا آمده بودند تا کار اسلام را یکسره کنند و ضربه‌ی نهایی را بر پیکر اسلام واقعی بزنند و در بیابانی صدای اسلام را خفه کنند اما صدای حق تمام دنیای آن زمان را در بر گرفت و مردم را هدایت کرد و هنوز هم این صدای حق به گوش می‌رسد و نام اباعبدالله، به عنوان رمزی برای قیام‌های الهی بر زبان‌ها جاری است.

در حقیقت، پیروز نبرد کربلا، اباعبدالله (علیه السلام) بود زیرا یاد و نام حضرت هنوز در میان مردم زنده است و محبت به او تمام عالم را فراگرفته است. شما بینید در مسیرهای پیاده روی اربعین، از هر رنگ و ملیت و آیینی هستند. این لشکر عظیم بیست میلیونی که به سمت یک نقطه حرکت می‌کنند در کجای تاریخ وجود داشته است؟ یکی از دوستان ما تعریف می‌کرد که یک کاروان صد نفره از زنان و مردان مسیحی مقیم کانادا که هرکدام دارای اسم و رسمی بودند به عشق اباعبدالله (علیه السلام) کلی هزینه کرده‌اند تا در این پیاده روی اربعین شرکت کنند.

این وعده‌ای است که خدا به امام حسین علیه السلام داده و قتلگاه آن حضرت را نقطه‌ی پرگار عالم قرار داده است. جاذبه‌ی عجیبی در نام اباعبدالله علیه السلام است که دل‌ها را به خود جذب می‌کند. نام و راه سیدالشهدا زنده است و نه تنها از بین نمی‌رود بلکه روز به روز بیشتر در عالم نفوذ می‌کند و می‌درخشد.

امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در جمعی نشسته بود. امام حسین علیه السلام به سمت ایشان آمد. پیامبر ایشان را بغل کرد و فرمود: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» برای شهادت امام حسین علیه السلام داغی است در دل مومنان که هیچگاه سرد نمی‌شود و این غم همیشگی است. تا قیامت این محبت به اباعبدالله علیه السلام در دل‌ها جریان دارد و زنده است.

انقلاب اسلامی در امتداد قیام حسینی

انقلاب اسلامی هم در امتداد قیام اباعبدالله علیه السلام شکل گرفت و با الگوگیری از اهداف و ماهیت آن ایجاد شد. آنچه که باعث شد روحیه‌ی ظلم ستیزی و آزادی خواهی در میان مردم به وجود بیاید و انقلاب کنند، روضه‌های اباعبدالله بود. به همین خاطر هم رضاشاه ملعون تصمیم گرفت روضه را ممنوع اعلام کند؛ چون دید که این روضه‌ها چه روحیه‌ی

ضد استبدادی را در مردم به وجود می‌آورد. این روضه‌ها یک انقلابی در درون مردم ایجاد کرد که جلوه‌ی آن در بیرون ظاهر شد و توانستند آرزوی تمام انبیا و اولیای الهی را محقق کنند؛ یعنی تشکیل حکومت اسلامی.

حرکتی که مردم ما از سال ۱۳۴۲ شروع کردند متأثر از قیام و حرکتی بود که اباعبدالله در سال ۶۱ هجری قمری انجام داد. مردم ما، امام حسین علیه السلام و آموزه‌های او را سرمشق خود قرار دادند و راه او را ادامه دادند. امام خمینی می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی ایران پرتویی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن بوده است.»^۱ نقطه آغاز و طلعه‌ی انقلاب اسلامی دستگیری امام پس از سخنرانی در روز عاشورا سال ۱۳۴۲ بود که مردم در اعتراض به این عمل، در پانزدهم خرداد ماه به خیابان‌ها آمدند و حرکت عظیمی را کلید زدند. باز از کلمات امام خمینی رحمته الله علیه برایتان بخوانم تا بیشتر به رابطه میان انقلاب اسلامی و نهضت حسینی پی ببریم: «شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دسته جات سینه زنی و نوحه سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می‌آمد، هیچ قدرتی نمی‌توانست ۱۵ خرداد را آن طور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا؛ و هیچ قدرتی نمی‌تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده و از همه قدرتهای بزرگ برای او توطئه چیده‌اند، این توطئه‌ها را خنثی کند، إلا همین

۱. صحیفه امام، جلد ۱۷، صفحه ۴۸۲.

مجالس عزاء... ما یک ملتی هستیم که با همین گریه‌ها یک قدرت ۲۵۰۰ ساله را از بین بردیم.^۱

ارتباط بسیار نزدیکی میان انقلاب اسلامی و نهضت حسینی وجود دارد. مردم در قیام سیدالشهدا ع نقش ایجابی را داشتند یعنی اگر آنها دعوت نمی‌کردند از حضرت تا به کوفه بیاید، این کاروان به آن سمت نمی‌رفت اما وقتی مردم نامه نوشتند و درخواست کردند، این حرکت صورت گرفت. در انقلاب اسلامی نیز، با اینکه امام خمینی رحمته الله علیه در تبعید بود و در ایران حضور نداشت اما مردم پای کار انقلاب ایستادند و از سال ۴۲ تا ۵۷ در برابر ظلم‌ها و فسادها ساکت نماندند و چقدر از این مردم انقلابی در راهپیمایی‌ها و تظاهرات بر علیه شاه ظالم شکنجه شدند و به شهادت رسیدند. مردم خواستند که شاه برود و رژیم منحوس پهلوی سرنگون شود که این اتفاق افتاد. اگر مردم پای کار نمی‌آمدند که امام نمی‌توانست به تنهایی کاری کند. این حضور مردم در کنار مجتهد جامع الشرایطی که در دوران غیبت باید به او مراجعه نمود سبب شد که نصرت الهی هم شامل حال این ملت شود و کاری کنند که هیچکس باور نمی‌کرد و این حضور مردم هم به برکت مجالس عزای ابا عبد الله ع بود.

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۳۴۶ و ۳۴۷.

حرف نوی انقلاب اسلامی

امام خمینی رحمته الله علیه با استفاده از آموزه‌های مکتب علوی و حسینی یک مدل جدیدی را به دنیا ارائه کرد، آن هم جمهوری اسلامی بود؛ یعنی نظامی متکی به قدرت و اراده‌ی مردم در چارچوب ارزش‌های الهی. این حرف نو و جدیدی بود که زده شد. در نظام غرب ببینید که هیچ حرفی از دستورات الهی نیست و مردم آزادانه هرکاری بخواهند می‌توانند انجام دهند. این پدیده‌ی کثیف همجنس بازی که برای حمایت از آن در کشورهای اروپایی قانون گذاشته‌اند نمونه‌ی بارز انحطاط تمدن غرب است. از طرفی در نظام فکری طالبان و داعش، مردم هیچ اختیاری ندارند و فقط شریعت حاکم است و به عبارتی مردم اصلاً مهم نیستند. انقلاب اسلامی یک حرف جدیدی به نام جمهوری اسلامی به میان آورد. عامل همه‌ی دشمنی‌ها نیز همین حرف جدید می‌باشد. رهبر معظم انقلاب بعد از جریان فتنه‌ی سال گذشته فرمودند: «ملت ایران یک پیام جدیدی داشت، یک حرف نویی به دنیا عرضه کرد. «جمهوری اسلامی» یک حرف نو است. «مردم‌سالاری دینی» یک حرف جدید است، یک سبک جدید برای زندگی ملتها است؛ خواستند این پیام که پیام مقاومت است، پیام ایستادگی است، پیام عدم تسلیم در مقابل زورگویی است، پیام مقابله‌ی با ظلم است، پیام مقابله‌ی با تبعیض بین المللی است نرسد؛ خواستند این پیام

را خفه کنند؛ هدف این بود»^۱ هدف دشمن کم رنگ کردن ارتباط بین نظام و مردم است. دشمن می‌خواهد حضور مردم که پشتوانه و عامل قدرت و موفقیت نظام اسلامی است را از بین ببرد. این همان کاری است که عبیدالله بن زیاد با مردم کوفه کرد. مردم کوفه برای اباعبدالله علیه السلام نامه نوشته بودند و امام پس از آنکه مطمئن شد به سمت کوفه حرکت کرد. عبیدالله بن زیاد با فریب مردم توانست آنها را از امام جدا کند. الآن دشمنان ما هم می‌خواهند همان کار را انجام دهند. ببینید چه شباهتی این وسط وجود دارد. عیناً تاریخ تکرار می‌شود.

رفتارسازی

انتخاب کن؛ بیعت با حسین یا یزید؟

اگر ما زمان امام حسین علیه السلام بودیم کدام را انتخاب می‌کردیم؟ نامه می‌نوشتیم برای امام حسین و او را دعوت می‌کردیم که ای پسر فاطمه بیا ما منتظرت هستیم. بعد آیا پای عهد و پیمان خودمان می‌ماندیم یا مثل مردم کوفه، مال دنیا را ترجیح می‌دادیم؟ الآن هم زمانه دوباره تکرار شده است. دوباره مردم جامعه بر سر همین دو راهی قرار گرفته‌اند. دوراهی عزت یا ذلت؟ اگر من و شما پای این انقلاب اسلامی

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس ۱۴۰۱/۶/۳۰.

بمانیم و به عهد خودمان با امام و شهدا وفا کنیم قطعاً لذت حکومت مهدوی را خواهیم چشید اما اگر مانند مردم کوفه، این نظام را تنها بگذاریم و بخاطر شرایط سخت و تنگی معیشت دست از دین و اهل بیت برداریم، آن وقت همان بلایی را خواهیم دید که مردم کوفه به سرشان آمد.

دو طرف وجود دارد و طرف سومی در کار نیست. هرکس بخواهد سکوت کند در خون حسین بن علی شریک است. همه‌ی آنهایی که در کوفه بودند و سکوت کردند و حرف نزدند در عذاب کشتن اباعبدالله علیه السلام شریک هستند. کمی فکر کنیم. بیندیشیم.

قطعاً محبت به اهل بیت در دل من و شما رسوخ کرده است. ما در مجالس روضه بزرگ شده‌ایم. از کودکی خدمت به آستان اهل بیت علیهم السلام افتخار ما بوده است. ما با محبت امیرالمومنین علیه السلام و لعن بر دشمنانش خو گرفته‌ایم و محال است که به آنها خیانت کنیم. ما مثل مردم کوفه نیستیم که مال دنیا را بر سیدالشهدا ترجیح دادند. انشاءالله همین محبت به اهل بیت علیهم السلام در شب اول قبر دستگیر ما می‌شود و گرنه چیز دیگری نداریم.

ذکر مصیبت

این خانواده اهل کرامت هستند. قطعاً به محبین و دوستداران شان نگاه می‌کنند. شیعه را به حال خود وا

نمی‌گذارند و برای هدایت ما برنامه دارند. فقط من و شما باید ارتباط مان را با این خاندان محکم کنیم. قدمی در راه اثبات ادعای محبت خودمان برداریم. امشب توسل کنیم به آقازاده امام حسن علیه السلام؛ حضرت قاسم. شب عاشورا دلش طاقت نیاورد آمد خدمت عمو جان گفت: «يَا عَمُّ! وَ اَنَا أُقْتَلُ؟!»
 عمو جان منم شهید میشم یا نه؟! «فَاشْفَقَ عَلَيْهِ» امام حسین شروع کرد مهربونی کردن به یتیم برادرش. بعد فرمود: «يَا بَنِي أَخِي كَيْفَ الْمَوْتُ عِنْدَكَ؟» مرگ در نزد تو چگونه است؟ صدا زد: «يَا عَمُّ! احْلِي مِنَ الْعَسَلِ» عمو جان، مرگ از عسل برای من شیرین تره. راست میگه والله. کشته شدن برای اباعبدالله علیه السلام خیلی شیرینه. ای کاش ما هم در راه سیدالشهدا علیه السلام شهید بشیم.

دادن جان گر به ره دلبر است

از عسل ناب مرا خوشتر است

جام اگر جام شهادت بُود

مرگ به از روز ولادت بُود

روز عاشورا آمد خدمت اباعبدالله علیه السلام اذن میدان بگیرد. «فَأَبَى الْحُسَيْنُ أَنْ يَأْذَنَ لَهُ» آقا به او اجازه‌ی میدان نداد. بعضی مقاتل نوشته‌اند: آمد خدمت مادر و گفت عمو به من اجازه‌ی میدان نمی‌دهد. مادر گفت صبر کن. رفت نامه‌ای آورد که امام حسن نوشته بود. نامه رو قاسم آورد داد به

عمو. تا عمو نامه را خواند دیدند اشک از چشمان آقا جاری شد. قاسم را بغل کرد. اذن میدان صادر شد.^۱ وارد میدان شد. خودش رو معرفی کرد: «**اِنْ تَنْگُرُونِ فَاَنَا ابْنُ الْحَسَنِ**» اگه نمی‌شناسید من پسر امام حسنم. ازرق شامی (لعنت الله علیه) کوچکترین پسرش رو فرستاد. گفت برو سر این بچه رو برا من بیار. آمد به سمت میدان اما حریف قاسم نشد. ازرق پسر بعدیش رو فرستاد. باز هم حریف نشد. همینطوری هر چهار تا پسر ازرق رو به درک واصل کرد. ملعون خودش اومد به میدان گفت خودم کارت رو تموم می‌کنم. قاسم صدا زد: ازرق شامی تویی؟ تو چه جور پهلوانی هستی، چه جور مرد جنگی هستی که هنوز بند رکابت بازه. سر رو آورد پایین یه ضربه به سر اون ملعون زد. صدای تکبیر امام حسین بلند شد. دیدند تک تک حریف نمی‌شوند. همگی ریختند سر این آقازاده. همه با هرچه داشتند حمله کردند. یه وقت دیدند صدا زد: «**فَصَاحَ يَا عَمَّاهُ**» عمو بیا به دادم برس. تا اباعبدالله رسید بالای سر قاسم دید: «**وَهُوَ يَفْحَصُ بِرِجْلَيْهِ**» پاشو داره روی زمین میکشه. داره جون میده.

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ...

جلسه هفتم: جلوه‌های حضور مردم در انقلاب اسلامی

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ
النَّذِيرِ وَالسِّرَاجِ الْمُنِيرِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَ
عَلَى آلِهِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ أَمْنَاءِ اللَّهِ وَلَا سَيِّمًا عَلَى الْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ
وَالْحُجَّةِ الْمُنتَظَرِ بَقِيَّةِ اللَّهِ، رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ وَعَجَّلَ اللَّهُ
تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ. وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى [صَنَمَيْ قُرَيْشٍ خَاصَّةً وَجَمِيعٍ]
أَعْدَائِهِمْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، [وَعَلَى مُنْكَرِي فَضَائِلِهِمْ وَمُنَاقِبِهِمْ مُنْكَرِي صِفَاتِ
اللَّهِ] مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ لِقَاءِ اللَّهِ. هَدِيه به محضر مقدس امام
زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ صلواتی ختم بفرمایید.

انگیزه سازی

پیروزی نزدیک است!

شب گذشته بحث بسیار مهمی خدمت شما عزیزان
ارائه شد و گفتیم که علت دشمنی دشمنان انقلاب با ما این
است که ما حرف جدید و سبک جدیدی از حکومت به نام

«جمهوری اسلامی» را اجرا کرده‌ایم و موفقیت آن برابر است با فروپاشی نظام‌های لیبرال دموکراسی و نئولیبرال غرب. پس با همه‌ی توان به میدان آمده‌اند تا نگذارند جمهوری اسلامی موفق شود و برنامه و تمرکز اصلی خود را بر نابودی جمهور و قدرت مردمی نظام گذاشته‌اند. یعنی می‌خواهند حضور مردم در صحنه‌های مختلف کمرنگ شود و برای این کار تمام ابزارها و سربازهای خودشان را به کار گرفته‌اند. اما به شما عرض می‌کنم که پیروزی ما نزدیک است. فقط چند قدم مانده تا وعده‌ی خدا تحقق یابد.

داستان انقلاب حضرت موسی

یک دلیل از تاریخ برایتان بیاورم؛ حضرت موسی و یارانش پس از آنکه فرعون دستور تعقیب و قتل آنها را صادر کرد با معجزه‌ی الهی و شکافته شدن دریا توانستند از این مهلکه فرار کنند و به دستور خداوند به سمت سرزمین مقدس حرکت کردند. در این مسیر خداوند چه عزتی به آنها داد و نعماتی به آنها بخشید که بر هیچ قومی نداده بود.^۱ آنها معجزه‌ی الهی را به چشم دیده بودند. با اینکه در مواجهه با دریا با ناامیدی تمام گفتند که دیگر کارمان تمام است: ﴿فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ﴾^۲ اما حضرت

۱. وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَ لَكُم مَّلُوكًا وَأَتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (سوره مبارکه مائده، آیه ۲۰).

۲. سوره مبارکه شعرا، آیه‌ی ۶۱.

موسی فرمود: ﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾ خداوند با ماست و ما را نجات می‌دهد. وقتی به خدا اعتماد کردند نتیجه‌اش را هم دیدند و نجات یافتند.

وقتی به سرزمین مقدس که در حوالی فلسطین الآن می‌شود رسیدند حضرت موسی به آنها فرمان داد که وارد شوید و با کافرانی که در این منطقه هستند بجنگید و این سرزمین را به تصرف درآورید. اگر حرف موسی را می‌پذیرفتند و به آن عمل می‌کردند، قطعاً نعمت‌های الهی بر آنان کامل می‌شد اما آنها در پاسخ به موسی گفتند: ﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ﴾: در این منطقه قوم بسیار قدرتمندی ساکن هستند «وَإِنَّا لَنَنذِرُكَ لَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا» تا زمانی‌که آنها از اینجا خارج نشوند ما نیز وارد نمی‌شویم. آنهایی که با چشم خود تحقق وعده‌ی الهی را دیده بودند، ناامید شدند از پیروزی و نصرت خداوند. در این هنگام دو نفر از بنی اسرائیل بلند شدند و گفتند که شما معجزه‌ی الهی را دیدید و پیروز شدید، الآن هم به خدا توکل کنید و به این سرزمین وارد شوید که مطمئناً خدا شما را یاری می‌کند. اما ببینید جواب قوم بنی اسرائیل را: ﴿فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾ ای موسی! تو و پروردگات بروید بجنگید ما اینجا منتظر می‌مانیم. این قوم که معجزه را دیده بودند چه شد

۱. سوره مبارکه شعرا، آیه ۶۲.

۲. برداشتی از آیات ۲۱ تا ۲۵ سوره‌ی مائده.

که پا پس کشیدند؟

افناع اندیشه

معجزه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی

داستان انقلاب ما هم شبیه این است. قبل از پیروزی انقلاب کسی باور نداشت بتوان شاه را سرنگون کرد. کسی باور نمی‌کرد بتوان رژیم ۲۵۰۰ ساله‌ی پهلوی را به زمین زد. حتی انقلابی‌ها هم تصورش را نمی‌کردند که روزی بتوان حکومت اسلامی تشکیل داد. اما وقتی مردم پای کار دین خدا آمدند خدا هم نصرتش را شامل حال آنها گردانید و توانستند حکومتی را به وجود بیاورند که آرزوی انبیا و اولیای الهی بوده است. انقلاب ما با حضور توده‌ی مردم پیروز شد؛ مردمی که نه سلاح داشتند و نه ابزار دیگری. اما ایمان داشتند به وعده‌ی خدا که ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ اگر شما خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری می‌کند.

رهبر معظم انقلاب درباره‌ی جریان‌ات قبل از پیروزی انقلاب می‌فرمایند: «همان شعاری که مردم در تهران می‌دادند، در فلان روستا در دوردست هم که مردم راه‌پیمایی می‌کردند، همان شعار را می‌دادند. لذا امام فرموده بودند: این انقلاب پیروز خواهد شد، چون نشانه‌ی حضور دست

قدرتمند الهی است. یک وقت دیگری هم ایشان به خود من فرمودند: من در طول این انقلاب یک دست قدرتی را همیشه پشت این حرکت عظیم مردمی دیده‌ام؛ حرکت‌های مردمی این جوری است.^۱

اکثر انقلاب‌های دنیا توسط گروهی خاص صورت می‌گیرد و معمولاً نظامیان کودتا می‌کنند، به همین خاطر هم هست که زود از بین می‌روند اما انقلاب ما با تکیه بر قدرت مردم شکل گرفت و حضور گسترده‌ی مردم در صحنه‌ی تظاهرات و راهپیمایی‌ها سبب پیروزی آن شد. همانطور که قوم بنی اسرائیل توانستند فرعون را شکست دهند، مردم ما نیز با اعتماد به خدا توانستند از شر رژیم منحوس پهلوی خلاص شوند. این معجزه‌ی اول انقلاب بود.

معجزه‌ی دفاع مقدس

دو سال پس از پیروزی انقلاب، کشور دچار حمله‌ای همه جانبه از سوی دنیا شد. ارتش تا دندان مسلح عراق با تسلیحاتی پیشرفته و امکاناتی که از همه‌ی دنیا برای او فرستاده شده بود به کشوری حمله کرد که هنوز به ثبات نرسیده بود و دچار جنگ داخلی و قومیتی و قحطی و آشفتگی وحشتناک بود. اگر ما بخواهیم قضاوت کنیم می‌گوییم این ارتش مسلح به راحتی می‌تواند ظرف چند روز این کشور

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳.

را نابود کند اما معادلات خداوند متفاوت است. پروردگار عالم می‌فرماید: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ هرگاه که مومنین برای یاری دین خدا قیام کنند، من هم آنها را یاری می‌کنم و خداوند قدرتمند و شکست ناپذیر است. چه کسی میتواند در برابر گروهی که خدا به یاری آنها آمده است مقاومت کند؟

در زمان جنگ، هرکس به اندازه‌ی توانش در پشتیبانی از جبهه‌ها سهیم بود. واقعاً داستان‌های عجیبی روایت شده است. هرکس هر مهارتی که بلد بود را به کار می‌گرفت؛ زنان روستاهای همدان خیاطی می‌کردند و برای سربازان لباس می‌دوختند، عده‌ای از زنان روستایی در سبزوار، نان می‌پختند و به جبهه‌ها می‌فرستادند و داستان‌های زیادی که از مردم شهرهای مختلف نقل شده است. قطعاً شما هم این همدلی و مواساتی که در زمان جنگ بوده را یا دیده‌اید و یا شنیده‌اید. وقتی مردم حضور داشته باشند معجزه رخ خواهد داد. ارتش پیشرفته رژیم بعث در برابر حضور مردم و اراده‌ی آنها که مستلزم نصرت الهی است شکست خورد. برگ برنده‌ی ما، حضور مردم بود. امام خمینی علیه السلام با اشاره به اهمیت حضور مردم در پشتیبانی از جبهه‌ها می‌فرمودند: «دنیا روی ملتها حساب می‌کند. وقتی دولتها می‌بینند که ملت ما برای همه چیز آماده است و این آمادگی را تا کنون

ثابت نموده است؛ پدری جوانش را به جبهه می‌فرستد، مادری پسرش را معرفی می‌کند، دیگر چگونه دولت‌های خارجی می‌توانند طمع کنند. دولت‌ها همیشه طمعشان نسبت به دولت‌های دیگر است. وقتی می‌توانند کودتا یا حمله کنند که ملت در صحنه نباشد، ولی وقتی ملت در صحنه بود، چه کاری از آنان ساخته است.^۱

خداوند متعال به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ خداوند کسی است که تو را بوسیله‌ی مومنان، نصرت و یاری کرد. در جنگ‌های مختلف، خداوند متعال بوسیله‌ی حضور مومنین، نصرت خودش را به یاری سپاه اسلام فرستاد که یک نمونه‌ی آن جنگ بدر است که در شب‌های قبل به آن اشاره کردم.

معجزه‌ی پیشرفت انقلاب

سومین معجزه‌ای که در این انقلاب مشاهده کردیم، پیشرفت‌ها و دستاوردهایی بود که یا وجود تحریم‌ها و مشکلات فراوان رخ داد. در بسیاری از موضوعات ما رتبه‌ی اول در منطقه خاورمیانه هستیم. در برخی حوزه‌ها مانند نانو رتبه اول جهان را داریم. سومین کشور صاحب فناوری ساخت نیروگاه‌های خورشیدی هستیم، در زمینه‌های نظامی ما که

۱. صحیفه امام، جلد ۱۵، صفحه‌ی ۲۶۸.

۲. سوره مبارکه انفال، آیه‌ی ۶۲.

در ابتدای انقلاب نمی‌توانستیم سیم خاردار بسازیم الان موشک‌های هایپرسونیک می‌سازیم که هزاران کیلومتر بُرد دارند. این کتاب صعود چهل ساله را حتماً بخوانید. آمارهای عجیبی از دستاوردهای انقلاب اسلامی با وجود تحریم‌ها در آنجا آمده است.

این‌ها شبیه همان نعماتی است که خداوند به قوم بنی اسرائیل داد؛ پروردگار عالم به آنها عزت داد و انواع نعمت‌ها را به آنها ارزانی بخشید. خداوند متعال به مردم ایران نیز عزت داد و آنها را از ذلت کشورهای بیگانه نجات داد. قبل از انقلاب، انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها تمام منابع ما را به رایگان به غارت بردند. اما انقلاب آمد و این سرمایه‌ها را حفظ کرد.

رفتارسازی

یک قدم مانده

قوم بنی اسرائیل یک قدم کم آوردند تا به سرزمین مقدس برسند و آن هم این بود که خود را کنار کشیدند و به حضرت موسی گفتند: ﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾^۱ ما اینجا می‌نشینیم، تو و پروردگارت بروید بجنگید. ما هم یک قدم تا پیروزی نهایی فاصله داریم. ما هم یک

۱. سوره مبارکه مائده، آیه‌ی ۲۵.

قدم تا حل مشکلات کشور فاصله داریم. اگر همانطور که مردم به میدان آمدند و سبب پیروزی انقلاب شدند و نگذاشتند ذره‌ای از خاک این کشور تصرف شود، الآن هم به میدان بیایند قطعاً مشکلات اقتصادی نیز حل خواهد شد. ما بحران‌های سخت تر و پیچیده تر از اینها را پشت سر گذاشته‌ایم. این مشکلات اقتصادی قابل حل است و به برکت حضور مردم در میدان که سبب نزول رحمت الهی است به زودی حل می‌شود. هیچ بن بستی وجود ندارد و قطعاً این امتحان الهی هم می‌گذرد.

الآن ما همه منتظر نشستیم تا دولت و مجلس بیایند و اوضاع اقتصاد را تغییر دهند در حالیکه اگر سالها هم منتظر بمانیم این اتفاق نمی‌افتد. من و شما باید آستین‌ها را بالا بزنیم و به وسط میدان بیاییم و وضعیت جامعه‌ی خود را تغییر دهیم. اگر من و شما به میدان بیاییم قطعاً نصرت و رحمت الهی نیز شامل حال ما خواهد شد وگرنه این اوضاع درست نمی‌شود.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب که به حق عَلم این انقلاب بر دوش این بزرگمرد است، راه حل مشکلات اقتصادی را اینگونه معرفی می‌کنند: «هر جا مردم وارد شده‌اند ما پیشرفت کرده‌ایم. در دفاع مقدّس مردم وارد شدند، ما پیروز شدیم؛ در مسائل سیاسی کشور مردم هر جا وارد شدند ما پیروز شدیم؛ در مسائل اقتصادی هم همین جور است.

یکی از اشکالات مهمی که ما داریم، این است که روی راه‌های مشارکت مردم فکر نکرده‌ایم. من.. به مسئولین محترم، به صاحب‌نظران اقتصادی، به کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت کشورند توصیه می‌کنم بنشینند راه‌های مشارکت عموم مردم در مسائل اقتصادی را پیدا کنند.»^۱ این کلمات برای سال‌های قبل نیست. برای همین امسال است؛ بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام می‌باشد.

انشالله فرداشب درباره‌ی راه‌های مشارکت عموم مردم در اقتصاد مطالبی را ارائه خواهم کرد.

ذکر مصیبت

رسیدیم به شبی که خیلی‌ها منتظر این شب بودند؛ حق هم داشتند. بریم در خانه‌ی باب الحوائج، حضرت علی اصغر. خدا رحمت کند حضرت آیت الله حق شناس را، استاد برجسته‌ی اخلاق در تهران بودند که همین چند سال پیش به رحمت الهی رفتند. ایشان می‌فرمودند: «حاجتی بسیار مهمی داشتم، گفتم بهترین کاری که برای مستجاب شدنش میتوانم انجام دهم این است که چله‌ی زیارت عاشورا بگیرم. البته این چله‌ای که ایشان می‌فرمودند همراه با صد سلام و صد لعن بود که آداب خاصی داشت. ایشان می‌فرمود: شب

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار عموم مردم در حرم امام رضا علیه‌السلام ۱۴۰۲/۱/۱.

چهلّم، در عالم رؤیا وجود مقدس سیدالشهدا (علیه السلام) را دیدم. آقا فرمودند: شیخ عبدالکریم از ما چیزی میخوای؟ گفتم آقا مشکلی دارم اگر لطف کنید برطرف بشه. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: اگر همون شب اول روضه‌ی علی اصغرّم را خوانده بودی، همون شب حاجتت رو می‌دادیم.

این آقازاده با اون دستای کوچیکش گره‌های بزرگی رو باز کرده.

زینت آغوش و دامان رباب

آینه گردان رویت آفتاب

عالم و آدم همه محتاج تو

بر سر دوش پدر معراج تو

روز عاشورا بعد از اینکه همه‌ی اصحاب و بنی هاشم به شهادت رسیدند، اباعبدالله رو کرد به سپاه دشمن فرمود: «هَلْ مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؟» آیا کسی هست تا از خانواده‌ی رسول خدا دفاع کند؟ آخ بمیرم برای غربت آقا. یکدفعه دیدند شیرخواره خودش رو از گهواره پایین انداخت و داره بلند بلند گریه میکنه. اباعبدالله آمد به سمت خیمه ها. فرمود: «يا أختاه، ناوليني عَلِيًّا ابْنِي الطِّفْلِ حَتَّى أُودِعَهُ» زینب جان علی اصغرّم رو بده میخوام باهاش خداحافظی کنم. دید بچه داره بی تابي میکنه، گریه میکنه، این لب‌ها خشک شده. با لباس غیرجنگی آمد وسط میدان. بچه رو روی دست

گرفت. فرمود: «إِنْ لَمْ تَرْحُمُونِي فَارْحَمْ هَذَا الطِّفْلَ الصَّغِيرَ» اگه به من رحم نمی‌کنید لااقل به این بچه رحم کنید. «أَمَّا تَرْوَنَهُ كَيْفَ يَتَلَطَّى عَظْشاً» مگه نمی‌بینید چجوری داره لباسو تگون میده از عطش. ملعون صدا زد حرمه چرا داری نگاه میکنی؟ مگه نمی‌بینی سفیدی زیر گلوی بچه رو؟ امشب دست خالی برنگردی. حواست هست. ابی عبدالله هنوز داشت صحبت می‌کرد که یکدفعه حرمه تیر سه شعبه‌ای به گلوی این آقازاده زد: «فَذُبِّحْ مِنَ الْأُذُنِ إِلَى الْأُذُنِ»

حجم تیری که علمدار زمین گیرش شد

باورم نیست که در حنجره ات جا شده است
مگه گلوی نوزاد شش ماهه تاب تیر شعبه داره؟ حالا
ابی عبدالله مونده مستأصل شده. راوی میگه دیدم یه قدم
میاد به سمت خیمه، یه قدم دوباره برمیگرده. حسین مونده
چیکار کنه با این بچه. چجوری ببره این بچه رو پیش رباب؟
خدایا به حق اون لحظه‌ای که سیدالشهدا مستأصل شد، به
حق اون لحظه‌ای که مضطر شد در ظهور امام زمان تعجیل
بفرما. راوی میگه دیدم اباعبدالله رفت پشت خیمه‌ها با سر
خنجر قبر کوچکی کند. با علی اصغرش وداع کرد.

مرا ببخش عزیزم که جای قطره آب

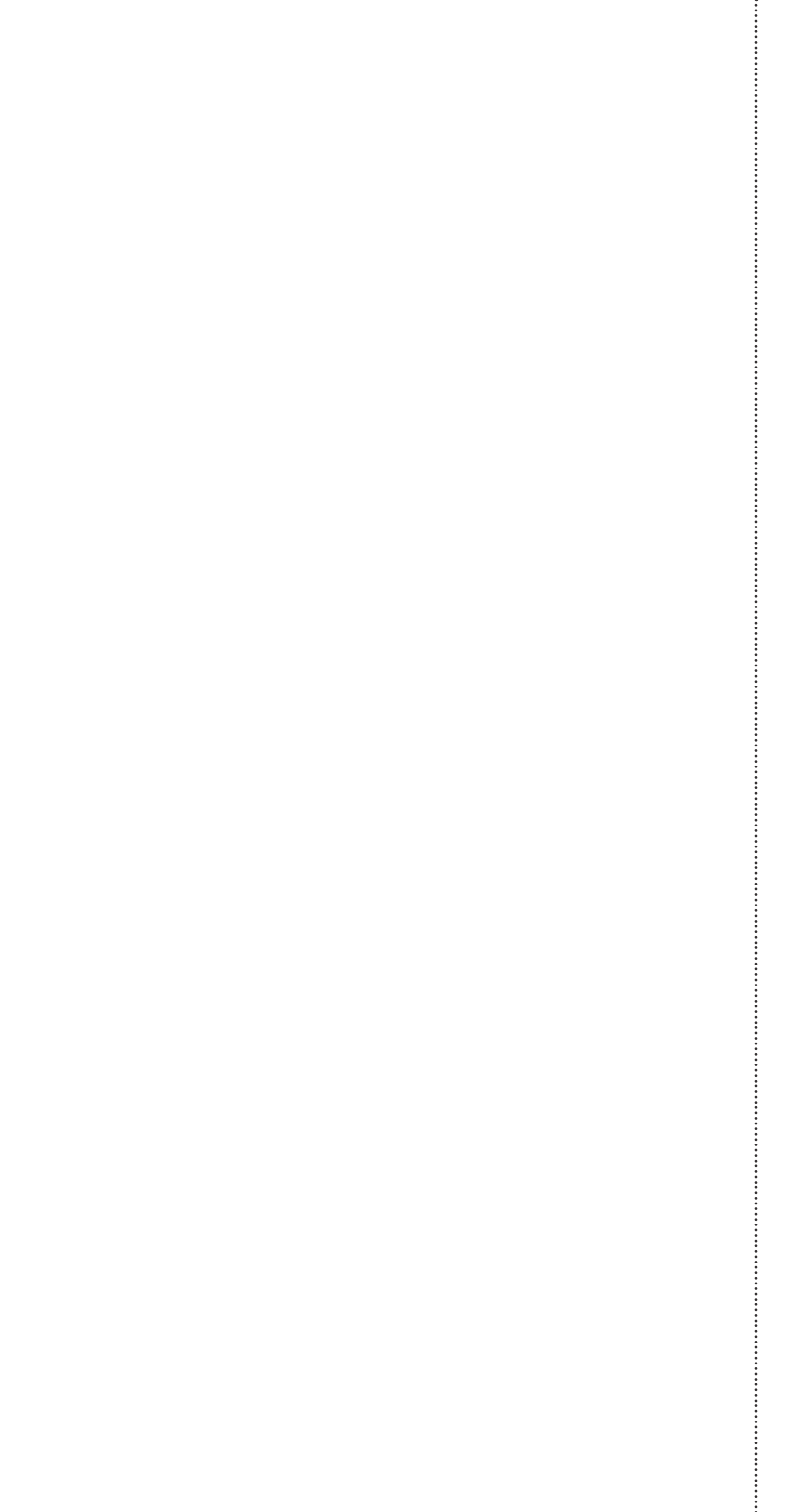
به يك سه شعبه برآورده ام تقاضایت

چگونه جسم تو پنهان کنم که می دانم

به وقت غارتان می کنند پیدایت

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ

يَنْقَلِبُونَ...



جلسه هشتم: اقتصاد قوی یعنی اقتصاد مردمی

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِي سَمَّى فِي السَّمَاءِ بِأَحْمَدٍ وَفِي الْأَرْضِينَ
بِأَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفِيِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَمُخَالِفِهِمْ وَغَاصِبِ
حُقُوقِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ. هديه به محضر
مقدس امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ صلواتی ختم بفرمایید.

انگیزه سازی

نتیجه‌ی اعتماد به مردم

امشب بحث بسیار مهم و کاربردی و راه حلی برای
مشکلات معیشتی خودمان را خدمت شما عزیزان ارائه
خواهم کرد. در شب‌های گذشته عرض کردیم که دشمن،
ایمان و اعتماد مردم به آینده‌ی انقلاب را نشانه گرفته
است و یک جنگ ترکیبی تمام عیار علیه نظام اسلامی به

راه‌انداخته است. دشمن از هر ابزاری استفاده می‌کند تا ناامیدی را در جامعه گسترش دهد و البته برخی از مسئولان جمهوری اسلامی هم به آنها کمک می‌کنند اما همانطور که در طول این چهل سال انقلاب، مردم همواره پای کار بوده‌اند و این نظام را از فتنه‌ها و بحران‌ها عبور داده‌اند الان نیز مردم باید پای کار بیایند.

دیشب این جمله را از رهبر عزیز انقلاب برایتان خواندم که می‌فرمایند: «هر جا مردم وارد شده‌اند ما پیشرفت کرده‌ایم. در دفاع مقدس مردم وارد شدند، ما پیروز شدیم؛ در مسائل سیاسی کشور مردم هر جا وارد شدند ما پیروز شدیم؛ در مسائل اقتصادی هم همین جور است.»^۱ مسئولان کشور به کمک ما نیاز دارند و ما باید آستین‌ها را بالا بزنیم و وارد میدان جهاد اقتصادی شویم. قطعاً این سختی معیشت با حضور مردم و دست قدرتمند الهی که «یَدَاللهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»^۲ است برطرف خواهد شد. همانطور که ما بحران جنگ را پشت سر گذاشتیم. همانطور که فتنه‌های ۸۸ و ۹۸ و سال گذشته را پشت سر گذاشتیم. همانطور که توانستیم با وجود تحریم‌ها و فشارها، رشد علمی فوق العاده‌ای داشته باشیم. فقط کافیست که ما اراده کنیم و به میدان بیاایم.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار عموم مردم در حرم امام رضا (ع) ۱۴۰۲/۱/۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۳ - رهبر انقلاب: ما از تحریم صدمه دیدیم و آسیب‌هایی از تحریم به اقتصاد ما، به مسائل گوناگون ما وارد شده است؛ این آسیب‌ها ناشی از چیست؟ انسان اگر چنانچه

افناع اندیشه

نقش مردم ژاپن در رشد اقتصادی

یک نمونه‌ی تاریخی برای شما مثال بزنم تا ببینید که آیا مردم می‌توانند به بهبود اقتصاد کشور کمک کنند؟! ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، در بدترین شرایط ممکن قرار داشت؛ نیمی از زیرساخت‌های آن کشور تخریب شده بود، تورم بسیار شدید و کمبود مواد غذایی وجود داشت و طبق آمار ۱۳ میلیون بیکار در آن کشور زندگی می‌کردند. دیگر اوضاع از این بدتر نمی‌شود! اما سوال اصلی اینجاست که چه چیزی باعث شد در کمتر از ۵۰ سال، ژاپن تبدیل شود به یکی از قطب‌های صنعتی جهان؟

در دو بخش مردم ژاپن خوب عمل کردند؛ در بخش مصرف، ژاپنی‌ها رفتند به سمت حمایت از تولیدات داخلی. جنس ژاپنی در سالهای پس از جنگ جهانی معروف بود به جنس بی کیفیت ارزان اما این فرهنگ در بین مردم وجود داشت که به فکر کمک به پیشرفت و رشد اقتصاد کشورشان باشند نه بیگانه‌ها. وقتی آنها محصولات داخلی را بخرند و کمک کنند به اینکه چرخ کارخانه‌های کشورشان بچرخد در نتیجه رشد اقتصادی هم اتفاق می‌افتد.

درست موشکافی کند، میبند این آسیب‌ها بیشتر ناشی از وابستگی ما به نفت است مثلاً؛ یا بیشتر ناشی از عدم حضور مردم در متن میدان اقتصادی است، [یعنی] دولتی کردن اقتصاد؛ بیشتر ناشی از اینها است بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

در بخش تولید هم، همه‌ی مردم آموزش دیدند و هرکس مهارتی بلد بود شروع کرد به تولید در آن زمینه. مردم ژاپن برای کار ارزش و احترام قائل بودند و توانستند زمینه‌ی کار کردن را برای یکدگر فراهم کنند. این کارخانه‌های عظیمی که می‌بینید اول از یه زیرپله‌ای شروع کرده‌اند تا رسیده‌اند به این عظمت. البته سیاست‌های دولت هم در کنار این حرکت عمومی مؤثر بود و نتیجه‌ی آن بسیار موفقیت آمیز بود.

اینکه ما می‌گوییم اقتصاد مردمی یا اقتصاد مقاومتی، چیز جدیدی در دنیا نیست بلکه بعضی از کشورهای پیشرفته با همین اصول توانستند این راه را طی کنند و نتیجه‌ی آن را هم ببینند. این راه آزموده شده است.

راه حل مشکلات اقتصادی

الآن در کشور ما هم اقتصاد موضوع اول کشور است و این گرانی‌ها و سختی معیشت خیلی مردم را آزار می‌دهد اما میتوان با همین اصول و تجربه‌هایی که در کشورهای پیشرفته وجود دارد اوضاع را تغییر داد. وظایفی به عهده مسئولین است که ما باید مطالبه‌گری کنیم. اما وظایفی هم برعهده‌ی من و شماست که در حقیقت نقش اصلی اصلاح وضع موجود می‌باشد. اگر ما مسئولیت مان را به خوبی انجام دهیم قطعاً اوضاع خیلی فرق می‌کند و ایمان داریم به اینکه اگر ما یک قدم برداریم خدا هم به ما کمک می‌کند

و به برکت اهل بیت علیهم السلام این مشکلات هم حل می‌شود. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید میکند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. **يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ**؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست؛ نشانه و نمونه‌ی آن، دفاع هشت ساله، نمونه‌ی آن خود انقلاب، و نمونه‌ی آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال [است] چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینه‌ی اقتصادی به این کمتر بها دادیم.»

هیچ بن بستی در انقلاب ما وجود ندارد. ما در راه رسیدن به قله هستیم. کسی که می‌خواهد از کوهی بالا برود قطعاً سختی‌های زیادی را باید پشت سر بگذارد تا به قله برسد. ما نیز در این راه ناهموار صعود و پیشرفت باید ایستادگی کنیم و مطمئن باشیم که اگر محکم قدم برداریم به قله خواهیم رسید.

رفتارسازی

ایجاد صندوق اشتغال آفرینی

یک راه حل ساده وجود دارد برای اینکه ما بتوانیم به وضع معیشت خودمان و محله مان رونق بدهیم. ما فعلاً می‌خواهیم درباره‌ی خودمان و اطرافیان مان صحبت کنیم.

این یک پیشنهاد است برای اینکه ما بتوانیم وضعیت مان را تغییر دهیم. اگر خانواده‌ها و مسجدی‌ها و هیئت‌ها دور هم جمع شوند و با محوریت مسجد یک صندوق اشتغال آفرینی راه بیندازند و مومنین مقداری از سرمایه هایشان را به جای اینکه در بانک نگه دارند و سود ناچیزی بگیرند، به میدان عمل بیاورند و زمینه را برای اشتغال فرزندان خودش و هم محله‌ای هایشان قرار دهند دیگر این محله بیکار نخواهد داشت. مسجد باید محل رفع مشکل محله باشد. خداوند متعال به مومنین توصیه می‌کند که: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى

الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾^۱ این کار معنای تعاون است و یکی از برترین نوع‌های تعاون می‌باشد و یکی از وظایف و مسئولیت‌های مساجد ما همین ایجاد تعاون در جامعه می‌باشد.

مسجد باید محل برطرف کردن دغدغه‌های مردم محله باشد. آن مسجدی که فقط برای نماز آن هم نیم ساعت باز می‌شود که نمی‌تواند مردم را به دین خدا دعوت کند. در زمان پیامبر ﷺ مسجد محور تمام اتفاقات بود؛ مدرسه بود و در آن علم یاد داده می‌شد. دادگاه بود و به اختلافات و شکایات رسیدگی می‌شد. مسجد، محور رویدادهای جامعه بود. الآن مسجدهای ما باید احیا شوند. مسجد باید محل مراجعه و حضور جوانان باشد.

یک بخش مهم کار، نیازسنجی درست و انتخاب شغل

۱. - سوره مبارکه مائده، آیه ۲.

مناسب برای کارآفرینی در روستا است که برای هر منطقه متفاوت می‌باشد و بستگی دارد به تشخیص اهل فن و معتمدین محل. میتوان با سرمایه اندک چند میلیونی در گوشه‌ای از مسجد کارگاه خیاطی، قالیبافی و... راه‌انداخت و کم‌کم بعد از چند سال آن را گسترده کرد. هم سود خوبی برای سرمایه‌گذاران دارد و هم مشکل بیکاری و فقر محله را حل می‌نماید.

نمونه‌های موفق

بگذارید برایتان چند نمونه بیاورم که مردم روستا و محله توانستند با همین روش، بیکاری را به صفر برسانند. یک نمونه مردم محله‌ی فرح آباد در خراسان هستند که با محوریت مسجد و سرمایه‌گذاری مومنین و مسجدی‌ها توانستند با ایجاد باغات انگور و پسته، برای ۲۵۰ نفر شغل ایجاد کنند.^۱ چنین ظرفیت عظمی در اختیار ما هست ولی از آن استفاده نمی‌کنیم. همین کارهای کوچکی که از مسجد شروع می‌شود بعد از چند سال میتواند روستاها و محله‌های اطراف را نیز متحول کند. آنوقت ببینید چقدر ایمان و اعتقاد در بین مردم بیشتر می‌شود.

نمونه‌ی دیگر اهالی مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شهر فسای شیراز هستند که با کمک مردم روستا، توانستند کارگاه

۱. سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد استان خراسان.

پرورش قارچ راه‌اندازی کنند و برای چندین نفر ایجاد اشتغال نمایند.^۱ اینطور برنامه‌ها و طرح‌ها برکت عجیبی دارد و گاهی انسان به آن چیزهایی که اصلاً فکرش را نمی‌کند می‌رسد. یک نمونه‌ی دیگر، مسجد المهدی در تهران می‌باشد که در زمینه اشتغال زایی و وام دهی به نیازمندان بواسطه‌ی ایجاد همین صندوق‌های کوچک و اعطای بخشی از فضای مسجد به آنان برای انجام کار تولیدی بسیار موفق عمل کرده است.^۲

نمونه‌های زیادی وجود دارد از مساجدی که تبدیل به مرکز تحول محله شده‌اند و به زندگی مومنین رونق بخشیده‌اند. این پیشنهادی بود که ما برای بهبود وضعیت موجود برای شما داشتیم. اگر که قدمی در این راه بردارید قطعاً ظرف مدت کوتاهی هم پای جوانان به مسجد باز می‌شود و هم بسیاری از آسیب‌هایی که در جامعه می‌بینید از بین می‌رود.

حمایت از کالای داخلی

کمکی که ما می‌توانیم به بخش تولید در کشور انجام دهیم همین است که عرض کردم اما در بخش مصرف هم یک وظیفه‌ای به عهده‌ی ماست. ما می‌توانیم با مصرف

۱. اشتغالزایی در مسجد <https://mushroom.news>

۲. خبرگزاری بین المللی قرآن، کد خبر: ۳۸۳۰۲۵۹.

تولیدات داخل به کارگر ایرانی کمک کنم. هرچقدر هم که کیفیت جنس ایرانی پایین باشد، ارزش این را دارد که با خرید من یک کارگر ایرانی بیکار نشود و شرمندگی زن و بچه اش نشود. مردم ژاپن هم از جنس‌های بی کیفیت ژاپنی حمایت کردند تا توانستند در جهان رشد و پیشرفت کنند. اگر من و شما هم این اعتقاد را داشته باشیم که جنس ایرانی بخیریم تا چرخ کارخانه‌های خودمان بچرخد و تعطیل نشوند، قطعاً روزی کیفیت بالایی از اجناس ایرانی را مشاهده می‌کنیم.

البته در بعضی موارد، سیاست‌های غلط و اشتباه باعث انحصارگری شده است و علاوه بر اینکه کیفیت بالاتر نرفته بلکه هر روز بدتر هم می‌شود. اما در مجموع اگر کمک کنیم به اینکه تولید رونق پیدا کند، قطعاً تورم هم مهار خواهد شد. ما امیدواریم به اینکه با حضور و حمایت مردم در صحنه‌های مختلف، نصرت و رحمت الهی نیز شامل حال این ملت شود و مشکلات اقتصادی هم به زودی حل خواهد شد ان‌شاءالله.

ذکر مصیبت

بریم در خانه‌ی آقا زاده علی اکبر. جوون رعنا ی ابی عبدالله. امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین لحظه برای پدر و مادر لحظه‌ای هست که فرزند جوون شون روبروی اونها راه بره. از آقا پرسیدند سخت ترین لحظه برای پدر مادر

چه وقتی هست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی این جوون جلوی چشم پدر و مادر جون بده و داغ این بچه به دل شون بمونه. مرحوم شیخ جعفر شوشتری نقل می‌کند که در مصیبت علی اکبر سه بار اباعبدالله علیه السلام به حالت احتضار رسید و نزدیک بود جان از تنش خارج بشه. اولین بار جایی بود که میخواست علی اکبر را روانه میدان کند. وقتی میخواست او رو به میدان بفرسته فرمود: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَي هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ إِنَّهُ قَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهُ النَّاسَ خَلْقًا وَخُلُقًا وَمَنْطِقًا بِرَسُولِكَ وَكُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى لِقَاءِ نَبِيِّكَ نَنْظُرُ إِلَىهِ». خدایا گواه باش شبیه ترین مردم به رسولت در خلقت و رفتار و سخن گفتن به سوی اینان رفت و هر گاه ما مشتاق پیامبرت می شدیم به او نگاه می کردیم. زن و بچه از خیام آمدند بیرون دور علی اکبر خیمه زدند. دیدند: تَغَيَّرَ حَالُ الْحُسَيْنِ بِحَيْثُ أَشْرَفَ عَلَى الْمَوْتِ» من نگویم مرو ای ماه برو

لیک قدری بر ما راه برو

مرو این گونه شتابان پسرم

لَحْتِي أَهْـسَتْه مِنْ آخِرِ پِدرم
دومین بار زمانی بود که علی اکبر از میدان به سمت خیمه ها برگشت. گفت «يَا أَبُهِ! الْعَطَشُ قَدْ قَتَلَنِي» بابا جون، تشنگی داره من رو می‌کشه. «فَضَمَّهُ الْحُسَيْنُ إِلَى صَدْرِهِ وَيَكِي وَ أَشْرَفَ عَلَى الْمَوْتِ» دیدند حسین، علی اکبر و بغل کرد و شروع

کرد به گریه کردن. آنقدر اشک ریخت تا حالت احتضار بهش
غالب شد.

سومین بار زمانی بود که علی اکبر از اسب به زمین
افتاد، فریاد زد: «يَا أَبَتَاهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ هَذَا جَدِّي يُقَرِّئُكَ
السَّلَامَ» باباجون پیغمبر اومده به استقبال، من دارم میرم
خدا حافظ. حالا چجوری اباعبدالله اومد بالای سر این پیکر
ارباباً ارباباً شده؟ مقاتل می نویسد: «فَسَقَطَ الْحُسَيْنُ مِنَ الْفَرَسِ»
ارباب ما از روی اسب به زمین افتاد. روی زانوهای خودش را
کشاند به سمت بدن علی اکبر. «وَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ» صورتش
رو گذاشت روی صورت خاکی علی اکبر.

لشکر کوفه و شام ایستاده

به تماشای شه و شه زاده

شه روی نعش پسر افتاده

همه گفتند حسین جان داده

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ
يَنْقَلِبُونَ...

جلسه نهم: مهم ترین عامل زمینه ساز ظهور

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ عَلَى
سَيِّدِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، مُحَمَّدٍ وَعَترَتِهِ الْأَقْدَسِينَ. شب دوم ماه محرم
الحرام است، شب تاسوعاست تسلی قلب نازنین قطب عالم امکان
حضرت بقیة الله الاعظم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ صلواتی ختم بفرمایید.

انگیزه سازی

آینده به اراده‌ی ماست!

آنچه در شب‌های گذشته به محضر عزیزان ارائه شد، مطالبی
بود پیرامون اهمیت حضور و نقش آفرینی مردم در امور حکومت
که با بررسی حکومت عدل علوی و قیام سرخ حسینی، به تحلیل
جایگاه مردم در نگاه اهل بیت پرداختیم. سیره‌ی حکومت داری
اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اینگونه است که تا مردم پای کار نیابند کارها اصلاح
نمی‌شود. در حقیقت، در حکومت اسلامی، مردم قدرت اصلی را
دارند و حاکم نیز به این قدرت احترام می‌گذارد. امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ

در خطبه‌ی ۲۱۶ نهج البلاغه می‌فرمایند: «وَلَيْسَ امْرُؤٌ وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ وَتَقَدَّمَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ» هرچقدر که حاکم قدرت و عظمت داشته باشد، به عبارتی یعنی حتی اگر امام باشد، باز هم در امر حکومت نیاز به مردم و حمایت آنان دارد.

این نگاه متعالی و فهم دقیق از اسلام را می‌توان به کثرت در کلمات امام خمینی علیه السلام مشاهده کرد که با عنوان جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «پشتوانه‌ی یک حکومت ملت است. اگر یک ملتی پشتوانه‌ی حکومت نباشد، این حکومت نمی‌تواند درست بشود؛ این نمی‌تواند برقرار باشد.»^۱ امام اعتقاد داشت که مردم پشتوانه‌ی انقلاب و ولی نعمت مسئولین هستند. این حقیقت حکومت اسلامی است که تا مردم پای کار ولایت نیایند ولایت به تنهایی نمی‌تواند عدالت را اجرا کند.

رهبر معظم انقلاب هم همان عقیده و همان نگاه اسلام را به مردم دارند: «مسئله‌ی اصلی ما، مسئله‌ی مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده‌ی مردم، عزم راسخ مردم. این را باید عرض کنیم؛ در همه‌ی تحولات و جنبش‌های گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است. یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته‌ی به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد. هرچه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد، دیری نخواهد پایید، کاری نخواهد

۱- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۵۹

کرد.»^۱

شب‌های قبل عرض کردیم که اگر مردم مدینه در برابر سقیفه سکوت نمی کردند و پای ولایت امیرالمومنین می ایستادند قطعاً آن جسارت‌ها به خانه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام پیش نمی آمد. اگر مردم کوفه پای نامه‌هایی که نوشته بودند می ایستادند، امام حسین علیه‌السلام این گونه شهید نمی شد. الآن هم همین است. اگر مردم پای ولایت بایستند و از ولی فقیه حمایت کنند قطعاً پیروز نبرد حق و باطل خواهند بود. اما اگر مانند مردم مدینه و کوفه، سکوت کنند آن وقت تاریخ آنها را به بدی قضاوت خواهد کرد همانگونه که ما مردم مدینه و کوفه را به بدی یاد می کنیم.

این مشکلاتی که الآن کشور را فراگرفته از جمله گرانی و تورم، همگی حل می شود؛ به شرطی که من و شما به میدان بیاییم. به شرطی که برای حل این مشکلات، همفکری کنیم و مسئولیتی که بر دوش ما قرار گرفته را به خوبی تشخیص دهیم. اینکه من بروم بشینم گوشه‌ای تا مسئولین و مدیران مشکلات را حل کنند، فرار از مسئولیت پذیری است؛ باید همفکری کنیم و با کمک یکدیگر مسائل و مشکلات را حل نمائیم. آن وقت است که رحمت و هدایت الهی شامل حال ما می شود و به لطف خداوند بر مشکلات غلبه می کنیم: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»^۲ خداوند در برابر تهاجم‌ها و حملات دشمنان از مومنین دفاع می کند و قدرتی بالاتر از قدرت لایزال الهی نیست و پیروز میدان گروهی است که بتواند

۱- بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰

۲- سوره مبارکه حج، آیه ۳۸

این حمایت را داشته باشد. آینده بستگی به تصمیم ما دارد.

اقناع اندیشه

مردم زمینه ساز حکومت عدل

این آیه‌ی شریفه را حتماً زیاد شنیده اید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱ عده‌ای تا این آیه خوانده می‌شود فکر می‌کنند که ایجاد عدالت برعهده‌ی پیامبران است و پیامبر باید بیاید عدالت ایجاد کند درحالی که کاملاً غلط است. آیه‌ی شریفه می‌فرماید ما پیامبران را با دلایل محکم فرستادیم تا مردم آن دلایل را بپذیرند و اقامه‌ی عدل کنند نه اینکه پیامبران به تنهایی بروند در جامعه حکومت به وجود بیاورند. در سیستم ولایت الهی و حکومت اسلامی، حاکم که همان پیامبر یا امام یا ولی فقیه است قدرت تشخیص مردم را بالا می‌برد تا مردم خود بتوانند راه درست و مسیر صحیح را انتخاب نمایند.

مردم هستند که زمینه ساز اصلی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و حکومت عدل مهدوی هستند. کسی فکر نکند که امام زمان با فقط ۳۱۳ نفر یار، جهان را از شر وجود ظالمان پاک می‌کند و الآن معطل ۳۱۳ نفر است. نه! عامل اصلی تأخیر در ظهور این است که مردم دنیا هنوز برای اقامه‌ی عدل قیام نکرده اند. البته در این سال‌های اخیر حرکت‌های خوبی به تبع انقلاب اسلامی

۱-سوره مبارکه حدید، آیه‌ی ۲۵

در کشورهای اسلامی اتفاق افتاد که از آن به بیداری اسلامی یاد می‌کنند اما مردم تا آخر پای کار نایستادند و خیلی از آنها شکست خورد. اما هنوز هم در کشورهای مختلف مانند یمن و سوریه، مردم مظلوم پای آرمان‌ها و اهداف خود ایستاده‌اند و دست خدا نیز در یاری این مردم مشهود است.

تمام زیرساخت‌های یمن توسط وحوش سعودی نابود شده است و چقدر بچه‌های مظلوم از گرسنگی تلف شده‌اند اما باز هم آن مردم شجاع پای اهداف و خاک شان ایستاده‌اند و با همین ایستادگی و مقاومت، وهابی‌ها را مجبور به صلح و مذاکره کردند. این نتیجه‌ی خواست یک ملت است، اراده‌ی یک ملت است. در دفاع مقدس نیز شاهد این مسئله بودیم. عراق تا دندان مسلح نتوانست در برابر اراده و خواست ملت ایران طاقت بیاورد. آنچه که می‌تواند ظهور را نزدیک کند، خواست و اراده‌ی همین مردم است. اگر این اراده باشد قطعاً ظهور تحقق پیدا می‌کند.

همدلی و مواسات

یک نمونه‌ی بزرگ و عالی از این اراده‌ها که در چندسال اخیر خیلی به کمک محرومان آمده است همین بحث مواسات و همدلی می‌باشد. همین بسته‌های معیشتی که به صورت خیلی ساده و مختصر و شامل مواد اولیه بود، جریان بسیار مبارکی را در کشور راه انداخت. اگر هرکس به اندازه‌ی توان خودش به اطرافیانش کمک کند دیگر فقری باقی نمی‌ماند. همدلی و نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر در جامعه باعث شکل‌گیری آن اراده جمعی و خواست

همگانی که همان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است می باشد. اگر این اراده شکل بگیرد قطعاً ظهور تحقق پیدا خواهد کرد.

مرحوم حاج محمد علی فشندی تهرانی از عرفا و عاشقان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. تشرفاتی به محضر مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته اند در یکی از این تشرفات که در حیاط مسجد مقدس جمکران بوده ایشان نقل می کند: مشغول دعا و مناجات و توسل به محضر حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف بودم که ناگهان سیدی با عظمت را دیدم. با خودم گفتم این سید از راه رسیده و شاید تشنه باشد به طرف او رفتم و لیوان آبی به ایشان دادم. وقتی لیوان را به ایشان دادم از او خواستم برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا بفرمایند. آن سید پس از نوشیدن آب، لیوان را به من پس داده و فرمودند: شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند! اگر بخواهند دعا می کنند و فرج ما می رسد. تا این را فرمودند من نگاه کردم دیدم آن حضرت در کنار ما نیستند و هر چه به اطراف نگاه کردم اثری از ایشان ندیدم. ما چقدر تشنه ی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم؟ ما چه کاری برای ظهور مهدی فاطمه کرده ایم؟ الآن اگر به محضر آقا برسیم حرفی برای گفتن داریم یا شرمنده ایم؟

احیای واجب فراموش شده

یک نمونه ی دیگر از اراده ی مردم که می تواند جامعه را به سمت ظهور ببرد و زمینه ی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نماید، واجب فراموش شده ای به نام امر به معروف و نهی از منکر است. سیدالشهدا یکی از اهداف قیام خود را احیای این واجب

در جامعه‌ی اسلامی می‌داند: «نَمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أَرِيدُ أَنْ أُمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱. متأسفانه ما این واجب الهی را سبک می‌شماریم درحالی‌که جزو مهم ترین واجبات دین می‌باشد. یک روایت از امیرالمومنین علیه السلام برایتان بخوان تا اهمیت این واجب را درک کنید: «لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ»^۲. اگر در جامعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، ظالمان بر شما حاکم می‌شوند و دیگر دعاهايتان مستجاب نمی‌شود.

امربه معروف واجبی است که برعهده‌ی همه‌ی ماست، مثل جهاد نیست که بگوییم به اندازه‌ی کفایت اگر بروند دیگر برعهده‌ی ما نیست. امر به معروف وظیفه‌ی همه‌ی مردم است. اگر این واجب الهی در کشور ما اجرا می‌شد قطعاً الآن شاهد این ولنگاری و این همه فساد نبودیم. اینها نتیجه‌ی ترک امر به معروف و نهی از منکر است. این وظیفه‌ای است که به عهده‌ی مردم گذاشته شده است و مردم جامعه باید آن را زنده نگه دارند.

البته باید شرایط آن را هم لحاظ کرد. تذکر لسانی در جایی واجب است که احتمال تأثیر گذاشتن بر طرف مقابل را می‌دهیم. این حکم خداست. مسئله‌ای است که برای زنده نگه داشتن آن امام حسین علیه السلام شهید شد. در همین چندسال اخیر چقدر شهید دادیم برای احیای امر به معروف در جامعه. خدا به ما توفیق بدهد که به واجبات الهی عمل کنیم و اسم ما جزو کسانی باشد

۱- بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه‌ی ۳۲۹

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۷

که زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و رجعت کنندگان در زمان ظهورش هستند. انشاءالله.

ذکر مصیبت

یه داستان دیگه از تشرف مرحوم فشندی به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برایتان نقل کنم: «مرحوم فشندی میگه من از اول جوانی مقید بودم که تا ممکن است گناه نکنم و آن قدر به حج بروم تا به محضر مولایم حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف گردم. لذا سال‌ها به همین آرزو به مکه معظمه مشرف می‌شدم. در یکی از این سال‌ها که عهده دار پذیرایی جمعی از حجاج هم بودم، شب هشتم ماه ذی الحجه با جمیع وسائل به صحرای عرفات رفتم تا بتوانم قبل از آنکه حجاج به عرفات بیایند، برای زواری که با من بودند جای بهتری تهیه کنم. تقریباً عصر روز هفتم بارها را پیاده کردم و در یکی از آن چادرهایی که برای ما مهیا شده بود، مستقر شدم.

آن شب در آنجا مشغول عبادت و مناجات با خدا بودم و تا صبح بیدار ماندم تا آن که نیمه‌های شب دیدم سید بزرگواری که شال سبز به سر دارد، به در خیمه من آمدند و مرا به اسم صدا زدند و فرمودند: حاج محمدعلی، سلام علیکم. من جواب سلام را دادم و از جا برخاستم. ایشان وارد خیمه شدند. پس از چند جمله که با آن آقا حرف زدم، محبت او در دلم جای گرفت و به آنها اعتماد کردم. جوان‌ها بیرون خیمه ایستاده بودند ولی آن سید داخل خیمه تشریف آورده بود. ایشان به من رو کرد و فرمود: «حاج محمد

علی! خوشا به حالت! خوشا به حالت!» گفتم: چرا؟
فرمودند: «شبى در بیابان عرفات بیتوته کرده‌ای که جدم
حضرت سیدالشهداء اباعبدالله الحسین علیه السلام هم در اینجا بیتوته
کرده بود.»

از آن آقا سوال کردم: آیا فردا شب که شب عرفه است، حضرت
ولی عصر علیه السلام به خیمه‌های حجاج تشریف می‌آورند و به آنها
توجهی دارند؟ فرمود: «به خیمه شما می‌آید؛ زیرا شما فردا شب به
عموم حضرت ابوالفضل علیه السلام متوسل می‌شوید.»

فردا شب، بعد از نماز مغرب و عشا، روحانی کاروان شروع
کرد به روضه‌ی قمر بنی هاشم خواندن بدون اینکه من چیزی
گفته باشم. مرحوم فشندی مگه هرچقدر سرم را چرخاندم آن آقا
را ندیدم. آخرای روضه آمدم بیرون خیمه. دیدم وجود نازنین امام
زمان، دم در خیمه ایستاده و برای مصیبت عموش ابوالفضل گریه
می‌کنه.

آقا به جلسه‌ی روضه‌ی ما هم یه نگاهی بکن. به این دل‌های
ما هم یه نگاهی کن. سخت ترین مصیبت برای بچه‌های حسین،
شهادت عموشون عباس بود. هر کدوم از اصحاب و بنی هاشم
که شهید می‌شدند، بچه‌ها دلشون خوش بود که بازم عمو عباس
هست. نمیداره به ما جسارت کنن. عباس آمد از امام حسین اذن
میدان بگیره: «فَبِكَ الْحُسَيْنُ بُكَاءً شَدِيداً» آقا خیلی اشک ریخت.
«فَقَالَ: يَا أُنْحَى أَنْتَ صَاحِبُ لَوَائِي» داداش، تو علمدار سپاه منی. اگه
بری بعد تو کسی رو ندارم. «فَاطْلُبْ لِهَؤُلَاءِ الْأَطْفَالِ قَلِيلًا مِنَ الْمَاءِ»

فرمود برو عباسم برای بچه‌ها آب بیار. به سمت لشکر دشمن حمله کرد و سریع خودش رو رسوند به فرات، مشک رو پر آب کرد. مسیر میانبر رو انتخاب کرد تا زودتر آب رو برسونه به بچه‌ها. یه دفعه از پشت نخل‌ها بهش حمله کردن. در نقل آمده چهار هزار تیرانداز او رو محاصره کردن. میدونستن اگه تکی بیان نمیتونن باهاش بجنگن. با عمود آهنین از پشت به فرق عباس زدند این فرق شکافت. دست راستش رو قطع کردند هنوز ناامید نشده. چون مشک سالمه. دست چپش رو قطع کردن، مشک رو با دندان گرفت. اما بمیرم برای اون لحظه‌ای که تیر به مشک آب زدند. راوی میگه: «فَوَقَّفَ الْعَبَّاسُ مُتَحَيِّرًا» دیدند عباس سرگردان شد. حالا با چه رویی به خیمه‌ها برگردم؟ بچه‌های حسین تشنه اند.

چه شد ان همه تیر سو پیکرت آمد؟

چه شد که مادر من جا مادرت آمد؟

نشد که آب بیاری حرم فدای سرت

ولی بگو چه بلائی سرِ سَرَت آمد؟

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ

يَنْقَلِبُونَ...

جلسه دهم: مدل حکمرانی حکومت مهدوی

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ
النَّذِيرِ وَالسِّرَاجِ الْمُنِيرِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَ
عَلَى آلِهِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ أَمْنَاءِ اللَّهِ وَلَا سَيِّمًا عَلَى الْإِمَامِ الثَّانِي
عَشَرَ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ بَقِيَّةِ اللَّهِ، رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ
وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ. وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى [صَنَمَيْ قُرَيْشٍ
خَاصَّةً وَجَمِيعٍ] أَعْدَائِهِمْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، [وَعَلَى مُنْكَرِي فَضَائِلِهِمْ وَمَنَاقِبِهِمْ
مُنْكَرِي صِفَاتِ اللَّهِ] مِنْ الْآنَ إِلَى يَوْمٍ لِقَاءِ اللَّهِ. شب عاشورا ست.
تسلی قلب داغدار صاحب عزای اصلی مجلس، حضرت صاحب
الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرجیه الشریف صلواتی ختم بفرماید.

انگیزه سازی

آینده‌ای روشن

آنچه که پروردگار عالم وعده آن را داده است و از آن تخلف هم
نمی کند، حکومت مستضعفان بر جهان می باشد. خداوند متعال

می‌فرماید: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱ پیشوایان و وارثان زمین، مستضعفان و محرومان هستند و این ظلم‌ها و تجاوزها به زودی به پایان می‌رسد و جدال حق و باطل به سود جبهه‌ی حق خاتمه می‌یابد. آینده‌ای که پروردگار عالم برای جهانیان اراده نموده است، برپایی حکومتی است که عدالت در آن حرف اول را می‌زند.

انقلاب اسلامی ما هم به امید تحقق این وعده‌ی الهی شکل گرفت و در طول این چهل سال، پیشرفت‌های عظیم و چشمگیری را مشاهده کرده ایم که همگی نشان از دست قدرت الهی است که همراه این مردم است. اگر از بالا به حوادثی که در اطراف ما رخ می‌دهد نگاه کنیم، می‌بینیم که حرکت گسترده‌ای به رهبری جمهوری اسلامی در منطقه شکل گرفته که عمده‌تاً هم با حضور مردم کشورهای عراق و سوریه و لبنان و الگوگیری آنها از انقلاب اسلامی شروع شده است. آن قدرتی که نظام استکباری در ۴۰ سال گذشته در خاورمیانه داشت با قدرتی که الآن دارد بسیار متفاوت است و علت دشمنی‌ها هم همین پیشرفت هاست. اما هرچه که دشمن هزینه کند و برنامه ریزی نماید فایده‌ای ندارد زیرا آینده قطعاً به دست مستضعفان کشورهای اسلامی است و به زودی نابودی استکبار جهانی را شاهد خواهیم بود. به اذعان دولتمردان آمریکایی، ۷ میلیارد دلار در خاورمیانه هزینه کردند تا منطقه را تحت سیطره‌ی خودشان دریاورند اما مردم منطقه با دستان خالی در برابر این داعشی‌ها و تکفیری‌ها ایستادند و پیروز شدند. قطعاً

۱-سوره مبارکه قصص، آیه‌ی ۵

وعده‌ی الهی تحقق پیدا می‌کند. ظهور بسیار نزدیک است و حکومت مهدوی تشکیل می‌شود.

افناع اندیشه

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه جامعه را اصلاح می‌کند؟

شب گذشته عرض کردم که مهم ترین عامل زمینه ساز ظهور، اراده و خواست مردم است. اگر مومنین تشنه‌ی حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شوند، ظهور اتفاق می‌افتد. داستان تشرف مرحوم فشن‌دی به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم خدمت تان عرض کردم. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند همانطور که در روایات آمده است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا وَنُورًا وَبُرْهَانًا»^۱ و انتقام خون اباعبدالله عجل الله تعالی فرجه الشریف را از قاتلین آن حضرت می‌گیرد. در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيُّنَ الظَّالِمِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» کجاست آن انتقام گیرنده‌ی کشته‌ی کربلا؟ انشالله که ما هم در سپاه آن حضرت باشیم و هم انتقام گیرنده‌ی خون پاک سیدالشهدا عجل الله تعالی فرجه الشریف.

امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیعیان توصیه نمودند که در روز عاشورا اینگونه به یکدیگر تسلیت بگویند: «عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا الْحُسَيْنِ وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ»^۲: خدای سبحان در مصیبت و ماتم امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف مزد و پاداش ما را بزرگ گرداند و ما و شما را از انتقام جویان خون حضرت

۱- الغیبة نعمانی، صفحه‌ی ۲۲۷

۲- O- بحار الأنوار، جلد ۹۸، صفحه‌ی ۲۹۰

در سپاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد. همچنین در زیارت عاشورا هم میخوانیم: «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي [کم] مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ (بِالْحَقِّ) مِنْكُمْ»: و از خدا می خواهم مرا در سپاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که منتقم خون شماس است قرار دهد.

اما یک سوال مهمی که وجود دارد این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه دنیا را نجات می دهد و اصلاح می کند؟

یکی از راه ها این است که بواسطه ی قدرت الهی که به امام داده شده است، در مردم تصرف کند و آنها ناگهان متحول شوند و دنیا گلستان شود! اگر قرار بود که امام از قدرت خودش استفاده کند پس چرا مابقی ائمه استفاده نکردند؟ امام حسین علیه السلام هم در دل و جان مردم کوفه تصرف می کرد و آنها هدایت می شدند. به نظر می رسد این راه حل، درست نیست و امام از این قدرت خودش برای اصلاح جامعه استفاده نمی کند. البته در برخی موارد شاید این اتفاق بیفتد اما اصل حرکت امام متوقف بر این امر نیست. اگر قرار بود خدا و امام به تنهایی مشکلات را حل کنند که در زمان حضرت موسی، خداوند به مردم دستور نمی داد که به سرزمین مقدس حمله کنند. و مردم را بخاطر حمله نکردن سرگردان و حیران بیابان ها نمی کرد.

البته در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»^۱ هنگامی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند دستی به سر مردم می کشد

و عقل آنها را کامل می‌کند. در اینجا منظور این نیست که امام بر سر تک تک افراد دست می‌کشد و عقل آنها کامل می‌گردد. نه! منظور این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا مردم عقل شان کامل شود همانطور که در روایت «يُدُّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»^۱ منظور از دست خدا، قدرت و رحمت الهی است.

یک راه حل دیگر این است که به کمک فرشتگان الهی زمین را اصلاح کنند. اگر بنا بود که زمین به واسطه‌ی فرشتگان اصلاح شود که آنها به کمک امامان دیگر هم می‌آمدند و کاری می‌کردند حکومت فقط به دست اهل بیت عليهم السلام باشد. البته اگر این اتفاق هم بیفتد و فرشتگان به کمک حضرت بیایند به این دلیل است که مردم به پای لشکر حضرت آمده‌اند و خداوند به وسیله‌ی فرشتگان نصرت و رحمت خود را بر آنها نازل کند.

مدل حکمرانی مردمی

روش و سیره‌ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند روش و سیره‌ی امامان دیگر است. یعنی در حکومت مهدوی نیز، مردم حرف اول را می‌زنند. همانطور که خداوند به پیامبر می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»^۲ خدا بواسطه‌ی حضور مردم تو را یاری کرد و این حضور مردم برای یاری پیامبر منجر به پیروزی اسلام شد. همانطور که امیرالمومنین به مردم کوفه فرمود: «إِنَّمَا جِئْتُكُمْ ثِقَةً

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷

۲- سوره مبارکه انفال، آیه‌ی ۶۲

بَعْدَ اللَّهِ بِكُمْ»^۱ بعد از خدا به یاری شما مردم امید دارم و به اصرار آنها حکومت کوفه را پذیرفت. همانطور که امام حسن علیه السلام بخاطر سستی مردم مجبور به صلح شد و امام حسین علیه السلام هم به دلیل خلف وعده‌ی مردم کوفه به مقتل رفت.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «حکومت آینده حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم. امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنها بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می‌دهد»^۲

مردم در حکومت مهدوی بالاترین قدرت را دارند و امور جامعه به دست خود مردم است. آن عاملی که باعث می‌شود عدالت در جامعه به وجود بیاید خود مردم هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳ مردم اقامه‌ی عدل و عدالت می‌کنند. ریشه کن شدن فساد در جامعه به دست مردم است. اگر مردم در مقابل هر اختلاس و بی قانونی ای که می‌بینند سکوت نکنند قطعاً دیگر مفسدین نمی‌توانند خلاقی مرتکب شوند.

در دوران حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار نیست که خدا انسان‌هایی پاک را خلق کند و آنها را به روی زمین بفرستد و همه‌ی مردم هم با شمشیر امام زمان کشته شوند. امام بر همین مردمی

۱-الارشاد، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۵۰

۲-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان

۱۳۸۱/۷/۳۰

۳-سوره مبارکه حدید، آیه‌ی ۲۵

که الآن در جامعه‌ی خودمان می‌بینیم حکومت می‌کند اما مدل حکمرانی او به گونه‌ای است که زمینه‌ی رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم می‌کند. انشاءالله ما هم باشیم و لذت زندگی تحت حکومت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را بچشیم.

رفتارسازی

لبخند رضایت امام

جوری زندگی کنیم که هنگام ظهور، اگر زنده نبودیم لایق رجعت باشیم و در رکاب حجت بن الحسن عجل‌الله تعالی فرجه الشریف سربازی کنیم. چقدر شیرین است اگر آقا به ما نگاه کند و لبخندی از روی رضایت بزند. چه چیز در دنیا بالاتر است از این لبخند؟ در زندگی به دنبال کسب این لبخند باشیم. در رفتارمان با خانواده، با اطرافیان. مراقبت کنیم که مبادا با یک رفتار ما دل کسی بشکند و آزرده خاطر شود. رضایت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را هدف همه‌ی کارهایمان قرار دهیم. مطمئن باشید آقا ما را تنها نمی‌گذارد و رها نمی‌کند. سعی کنیم زمینه ساز برای ظهور باشیم. برای امام، یار جمع کنیم. دست اطرافیان مان را با محبت، در دستان امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف بگذاریم. در مقاتل نوشته‌اند که امشب امام حسین مهلت گرفت برای نماز و قرآن خواندن، اما سی و دو نفر هم از لشکر دشمن آمدند توی سپاه اباعبدالله علیه السلام، امام حسین متحولشان کرد. امشب فرصت بزرگی برای متحول شدن است، برای تصمیم‌های بزرگ گرفتن است، برای از دنیا عبور کردن، برای آماده شدن و همراهی سیدالشهداء یک

فرصت ارزشمندی هست قدر بدانید.

برای تعجیل در فرج آقا دعا کنیم و برای سلامتی شان صدقه بدهیم. مرحوم علامه امینی صاحب کتاب شریف الغدير فرمودند شب عاشورا برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صدقه بدهید چون قلب آقا خیلی تحت فشار است. تمام روضه هایی که ما شنیدیم آقاي ما دیده است. در زیارت ناحیه مقدسه می خوانیم: «لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ لأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند صبح و شام در مصیبت اباعبدالله گریه میکنم و به جای اشک، خون از چشمانم جاری می شود.

ذکر مصیبت

چه مصیبت هایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دیده؟ امشب دیگه مقدمه نمی خویید. ناحیه مقدسه بخونم براتون: «فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ» حسین جان وسط میدان بودی و توانت کم شده بود از همه طرف بهت حمله کردن. «وَ أَثَخْنُوكَ بِالْجَرَاحِ» همه ی بدنت زخمی بود. «وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ» یه نفر نبود تو رو یاری بده

غریب گیر آوردننت

بالب تشنه کشتنت

وای بمیره مادرت

وای بمیره خواهرت...

کار به جایی رسید «نَكُسُوكَ مِنْ جَوَادِكِ» خودش نیفتاد،

انداختنش از رو اسب. با چی؟ با نیزه! «تَطْوُكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا»

این اسبا اومدن رو بدنت میرفتن و میومدن و تو زنده بودی. اما اباعبدالله نگران بود زیر دست و پا؛ نگران اینکه به خیمه‌ها حمله نکنن. توی این هجمه‌ها یکی صدا زد کار حسین تمومه. حمله کنید به خیمه‌ها. تا این صدا رو شنید آقا، یه لحظه به شمشیرش تکیه داد. همه فرار کردن. گفت من هنوز زنده ام بیاید اینجا.

دوباره حمله کردن. هرکسی با هرچیزی که داشت شروع کرد به ضربه زدن. اونی که شمشیر داشت با شمشیر. اونی که سنگ داشت با سنگ. پیرمردا با عصا می‌زدن. سر فرصت نشستن بدن آقا ما رو تیکه تیکه کردن.

هرجا نشستی ناله بزن یا حسین....